

انقلاب یورش جدید ضد انقلاب را برای انحراف شعار «مرگ بر آمریکا» بازهم خنثی کرد



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۳
شبه ۲۵ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با
۸ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۴: ۱۵ ریال

«من باردیگر خطر آمریکارا در جهان، بخصوص منطقه و ایران گوشزد می‌کنم».
امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، با طرح این مسئله در پیام دومین سالگرد پیروزی انقلاب، بار دیگر خطر دشمن اصلی را به‌سعیان نشان دادند و اعلام کردند که خطر آمریکا نه تنها ایران، نه تنها منطقه، بلکه جهان را تهدید می‌کند.
این تأکید مکرر امام خمینی برخطر دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان، که با فریاد پرورش «مرگ بر آمریکا» در سراسر ایران در جشن بزرگ دومین سالگرد انقلاب پیوند خورده، باردیگر نشان داد که پرورش «مرگ بر آمریکا» از سوی آمریکا، ضد - انقلاب، لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی برای انحراف شعار

امپریالیسم آمریکا، ضد انقلاب، لیبرال‌ها و مائوئیست‌های آمریکائی می‌کوشند که این شعار را تحریف و یا مخدوش کنند
اصلی انقلاب، خلق همچنان دشمن اصلی خویش را می‌شناسد و برآن می‌تازد. و این شناخت خلق، که ریشه در واقعیت عینی تاریخ معاصر وطن ما دارد، از همان آغاز انقلاب، میلیونها بار در شعارها، فریادها و قطعنامه‌های رایجی - های میلیونی تکرار و تأیید شده است.
درواقع از همان روز که توده‌های خلق، رزم حماسی خویش را علیه رژیم فئدیک پهلوی آغاز کردند، فریاد «مرگ بر شاه» همه جا همراه با پرورش «مرگ بر آمریکا» همراه بود. وقتی تخت فئدیک سلطنت پهلوی در دریای خون

آقای بنی‌صدر! اتهام زنی شایسته رئیس جمهور نیست

آقای بنی‌صدر در سخنانی که بمناسبت دومین سالگرد انقلاب در میدان آزادی ایراد کرد، متأسفانه در همان چارچوبی که تاکنون نویسندگان روزنامه «انقلاب اسلامی» متعلق به رئیس جمهور، به حزب توده ایران ناخسته‌اند، به حزب ما تاخت آوردند.
انتظار مردم آن بود که، در شرایطی که امپریالیسم هاز و غدار آمریکا، پشت دروازه‌های ایران کمین کرده، تا برای بلعیدن نظام جمهوری اسلامی و روی کار آوردن دولتی «میانه‌رو»، «معتدل» و «واقعی» که بتواند «طرف مذاکره» با آمریکا باشد، لحظه مناسب را دریابد، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، از توطئه‌های امپریالیسم آمریکا - دشمن اصلی ایران - که مستقیماً علیه استقلال و آزادی و موجودیت نظام جمهوری اسلامی متوجه است، برده‌برداری، دستاوردهای درخشان انقلاب را بقیه در صفحه ۷

دوستان انقلاب ایران کیانند؟

* کوبا، بلغارستان، یمن دمکراتیک و سازمان آزادیبخش فلسطین باردیگر پشتیبانی خود را از انقلاب ایران اعلام داشتند.

پیرو فرمان امام خمینی به شورای عالی تبلیغات اسلامی و برای معرفی انقلاب ایران به مردم جهان، ۲۰ هیات نمایندگی در آستانه دومین سالگرد انقلاب ایران، عازم ۳۰ کشور جهان شدند، تا از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع و توطئه‌های دشمنان سوگندخورده آنرا افشا کنند.
اخبار رسیده از ملاقات‌های هیات‌های نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، بار دیگر به روشنی دوستان انقلاب ایران را به ما می‌نمایند و نشان می‌دهد که علیرغم تلاش لیبرالها، که میکوشند انقلاب ایران را متزوی سازند، انقلاب ایران نه تنها در میان نیروهای ضد امپریالیسم و مردمی جهان متزوی نیست، بلکه مورد پشتیبانی پیکر و صادقانه آنهاست.

بلغارستان

«هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران که برای تشریح مواضع کنوزمان به بلغارستان رفته‌اند، صبح ۱۹ بهمن ماه با معاون نخست‌وزیر و شخصیت‌های سیاسی و بازرگانی خارجی بلغارستان دیدار و گفتگو کردند. در ابتدای این ملاقات گئورگی یازدانو، معاون نخست‌وزیر بلغارستان، تاریخچه مختصری از جمهوری بلغارستان و انقلاب سوسیالیستی آنرا برشمرد و حمایت مردم بلغارستان را از انقلاب اسلامی ایران، اعلام داشت.»
(«جمهوری اسلامی»، ۲۱ بهمن ۵۹، نقل از خبرگزاری پارس)

جمهوری دمکراتیک خلق یمن

«ساعت ۸ پامداد سه‌شنبه (۲۱ بهمن ماه)، قبل از شروع کنفرانس عدم تقصد، آذی سالم صالح محمد، وزیر امور خارجه و رئیس هیات

در مراسم نماز جمعه در بهشت زهرا حجت‌الاسلام رفسنجانی گفت:

آمریکا از این کشور طرد شده است

* حجت‌الاسلام رفسنجانی: دشمن با کوچک‌نشان دادن دستاوردهای انقلاب می‌خواهد روح یاس در مردم بوجود آورد.

مراسم نماز جمعه، این هفته بمناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران در بهشت زهرا، آرامگاه دهها هزار شهید بخون‌خفته خلق و یا حضور صدها هزار نمازگزار به امامت آیت‌الله موسوی اردبیلی، برگزار شد، در این مراسم باشکوه، پیش از خطبه‌های نماز، حجت - الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، ملی سخنانی دستاوردهای انقلاب پرشکوه مردم ایران را تشریح کرد و ضمن برشمردن غارتها و

اتحاد شوروی پشتیبان صدیق انقلاب ایران

«رادیو مسکو» در برنامه فارسی روز ۲۰ بهمن ۵۹ خود سلسله گفتارهایی را درباره مناسبات میان اتحاد شوروی و ایران در دوران پس از کنگره بیست و پنجم آغاز کرد.
در نخستین گفتار «رادیو مسکو» پس از یادآوری جنایات رژیم وابسته و مستبد محمدرضا، از جمله، ایران در معرض خطر محاصره امپریالیستی قرار گرفت، ثنویت برتلف، رهبر اتحاد شوروی، بنام کشور ما اعلام کرد که هرگونه مداخله در ایران، بپریانه‌ای که صورت گیرد، غیرممکن است. ثنویت برتلف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، در پاسخ خبر تکرر روزنامه «پراودا» تأکید کرد که حوادث ایران جنبه کاهلا داخلی دارد. چنانکه آگاهی دارید این هشدار آب سردی بود که بر کله‌های داغ آنسوی اقیانوس، که نقشه مداخله مسلحانه را (در ایران) میکشیدند، ریخته شده.»

در عملیات ۳ روز گذشته: چند نقطه استراتژیک در غرب کشور به تصرف رزمندگان انقلاب در آمد

* استاندار ایلام: کلیه ارتفاعات استراتژیک و مهم منطقه در نورامریزی ایلام در تصرف رزمندگان انقلاب است.
رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در طول ۳ روز گذشته در تمام جبهه‌ها، ضربات سنگینی را بر تجاوزگران صدامی وارد آوردند و چند نقطه استراتژیک را در جبهه‌های غرب، به تصرف خود درآوردند. گزارش خبرگزاری پارس حاکیست که یک گروه رزمی در یکی از جبهه‌های غرب کشور در رویارویی با مهاجمین، ۸۴ تن از نیروهای دشمن را اسیر کرد و ۱۱ تانک آنان را به غنیمت گرفت. یکی از خلبانان هوانیروز جمهوری اسلامی ایران، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری پارس، در این مورد گفت: «ما در عملیات این جبهه لشکر

پوشش خود را از «سازمان مجاهدین خلق» تکرار میکنیم

«مجاهدین» در شماره ۱۰۸ خود، بخش اول مصاحبه مسعود رجوی، از رهبران «سازمان مجاهدین خلق ایران» را منتشر ساخته است. چنانکه از این مصاحبه برمی‌آید، مسعود رجوی به پاسخ دربار مسائل روز پرداخته است. بنظر ما، اکنون فرصت مناسبی است که «سازمان مجاهدین خلق ایران» به پرسش حزب ما، که «گفتگوی کمیته مرکزی حزب توده ایران با «سازمان مجاهدین خلق ایران» مطرح شده و در نامه «مردم» مورخ ۸ بهمن ۵۹ تکرار شده، نیز پاسخ دهد. پرسش چنین است:

عناصر تشکیل‌دهنده «جبهه متحد نیروهای انقلابی» کیستند؟ اهمیت پاسخ به این سؤال، نه فقط در اینست که افکار عمومی مردم ایران - که با نظر «سازمان مجاهدین خلق ایران» درباره عناصر تشکیل‌دهنده «جبهه متحد ارتجاع» آشنا شده‌اند - نظر «سازمان مجاهدین خلق ایران» را درباره عناصر تشکیل‌دهنده «جبهه متحد نیروهای انقلابی» خواهند دانست و قضاوت خواهند کرد که واقعا چه کسی انقلابی و چه کسی از تجاعی است، بلکه برای خود «سازمان مجاهدین خلق ایران» و هواداران آن و مردم ایران روشن خواهد شد که «مجاهدین خلق» در صحنه سیاست ایران در کنار چه نیروهایی قرار دارند.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران، مستعدان ایران

انقلاب یورش ...

بقیه از صفحه ۱
از آنجا که رهائی واقعی و نهائی
میبین تنها و تنها باریشه کن شدن
سلطه امپریالیسم جهانی، به
سرکردگی آمریکا، بدست می
آید، بی درنگ این شعار را دنبال
کرده است و طنین خروشان همین
فریاد است که در سخنان امام
خمینی و مسلمانان انقلابی پیرو
خط امام پیوسته منکسر است.
امام خمینی، رهبر انقلاب و
بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران،
هنگام ورودشان به ایران، در
پهشت زهرا، آرامگاه دهها هزار
شهید انقلاب، گفتند:

«ما تا جان داریم، نخواهیم
گذشت هستی ما به کام آمریکا
برود».

این فریاد رسا، این فراخوانی
پیوسته خلق علیه دشمن اصلی
خویش از جانب رهبر انقلاب، در
دوسال گذشته پیکرانه ادامه
داشته است:

و یا: «تمام گرفتاری ما از
آمریکاست. تمام گرفتاری
مسلمین از آمریکاست. از
آمریکایی که صیوریم را
آلتور تقویت کرده است و آلتور
دارد تقویت میکند و برادران ما
را فوج فوج می کشد».

(۶ آبان ۵۸)

و: «در این انقلاب شیطان
بزرگ آمریکاست».

(۱۴ آبان ۵۸)

«ان دشمن ما آمریکاست
و باید تمام تجهیزات ما بطرف این
دشمن باشند. مبادا یک وقتی
تبلیغات سوئی بشود و نظرات ما
تشتت پیدا کنند» (۴ آذر ۵۸)

رهبر انقلاب، پس از آنکه
دانشجویان مسلمان پیرو خط
امام، جاسوسخانه آمریکا در
ایران را تسخیر کردند و پس
افشای اسناد و مدارک بشماره
عق جنایت و تبهکاری امپریالیسم
آمریکا را در ایران بر ملا ساختند
در یک سخنرانی تاریخی از تمام
مردم خواستند:

«اسلحه های سرد و گرم،
یعنی قلم و بیان و مسلسل را از
نشانه گیری به روی یکدیگر منحرف
و به سوی دشمن های انسانیت، که
در راس آن آمریکاست، نشانه
روین».

(۲۶ آبان ۵۹)
تمامی این بیانات و سخنان،
که چیزی جز انعکاس خواست
توده ها نیست، آمریکا را بعنوان
دشمن اصلی، شیطان بزرگ و
عامل تمام پدیده های ایران
معرفی می کند و همه را به مبارزه
متحد با این غول جهانخوار فرا
می خواند.

این اندیشه درست، در سخنان
و بیانات مسلمانان انقلابی پیرو
خط امام نیز به وضوح دیده می
شود. از جمله آیت الله منتظری
بارها در سخنان خود تاکید کرده
است:

«شما یادتان نرود. دشمن
بزرگ، آمریکاست». و: «توی
شعارهاتان مرگ بر آمریکا
یادتان نرود».

حجت الاسلام موسوی خوینیه
نیز بارها خاطر نشان کرده است:
«بنوان شاخص و بعنوان یک
میزان، آمریکا همیشه دشمن
است».

(۲۴ آذر ۵۹)
او گفته است: «تا ایران هست،
تا اسلام هست و آمریکا جهانخوار
هست، باز هم برای همیشه آمریکا
دشمن ماست و تمام تفنگها باید

آمریکا از این ...

بقیه از صفحه ۱
حجت الاسلام رفسنجانی در آغاز
ضمن قدرانی از شهیدا و معلولین
انقلاب، به خانواده شهیدا و نیز
معلولین انقلاب که در این مراسم
شرکت کرده بودند، خوشامد
گفت. وی سپس به توطئه دشمنان
انقلاب و ستون پنجم آنها در
داخل کشور که در جهت مایوس
کردن مردم نسبت به انقلاب
صورت می گیرد، اشاره کرد و
از جمله گفت: «آنها باضعیف و
کوچک و ناچیز نشان دادن دستاوردهای
انقلاب، روح یاس در دل
دوستان و مردم بکارند و در عین
حال امید به دشمنان بدهند. برای
اینکه دشمنان را جری کنند و
دوستان را مایوس، انگشت روی
نقاط ضعف جامعه می گذارند».

وی افزود: «(آنها) نمی گذارند
که مردم با آنچه خودشان
کرده اند و آثار انقلاب خودشان
آشنا بشوند».

وی سپس با اشاره به اینکه
انقلاب در طول ۲ سال توانسته
است ضربه های جدی و قاطع بر
پیکر نهادهای فاسد و ضد خلقی
رژیم گذشته وارد آورد و نهادهای
انقلابی را جایگزین آنها کند،
گفت: «عدهای فرصت طلب و
دروغگو می خواهند چهره انقلاب را
بد نشان دهند، می گویند مردم از
انقلاب دل سردند».

مرزی ارس نصب کرده است».
(رادیو بختیار - ۱۳ دی ۵۹)

لیبرالها هم که معتقدند: «ما
خود رادر جنگ با آمریکا نمی
بینیم».

(یدالله سعیدی - مجلس -
۸ مهر ۵۹)

و: «همانطور که مبارزه ضد
امپریالیستی برای ما مهم است،
با مبارزه ضد سوسیالیسم امپریالیستی
شرق می توان شعار نه شرقی نه
غربی را تحقق بخشید».

(مصباحیان - ۵ بهمن ۵۹ -
مجلس)

لیبرالها برای تکمیل سناریو
پرده دیگری هم به آن می -
افزایند. آنها در مقابل فریادهای
هشدار دهنده پیروان صدیق خط
امام که می گویند: «امکان حمله
مستقیم نظامی آمریکا، مثل ماجرای
طیس، هست» (حجت الاسلام
خامنه ای - ۵ دی ۵۹) می گویند:

«بعضی از مسئولین که به گفته های
امام ایمان ندارند، احماتا به ترس
از آمریکا دچار شده اند».

(میزان ۱۳ دی ۵۹)

اینان حتی پا را از این نیز
فرا تر گذاشته، سعی می کنند تا
شاید بتوانند رزمندگان چپه -
های نبرد با تجاوزگران صدامی
را به چپه های جدید بفرستند:

«در باره جمهوری های اسلامی
شوروی که زیر لوی کفر دست و
پا می زنند، باید کاری کنیم».

(انقلاب اسلامی - ۸ دی ۵۹)

هدف از این تلاش بیکری که
این روزها یار دیگر بدببال سخنان
ریگان، که به خیال خود، پازم
این به گریه گم می کرد و دشمن
اصلی (!) را در همسایگی ایران
نشان میداد، در ایجاد وسیع آغاز
شده است، تنها یک چیز است:

منحرف کردن شعار اصلی انقلاب
و سپس بردن آن به مسلخ.

اما مردم قهرمان ایران، چنانکه
تاکنون نشان داده اند، دشمن اصلی
خویش، شیطان بزرگ، آمریکا
را می شناسند و تاریخ کن کردن
آن از پای نمی نشینند.

حجت الاسلام رفسنجانی سپس
درباره مشاهدات خود در طول
سفرش به پادگان نوزده، سخن
گفت و از آن بعنوان نمونه ای
برای رد این تبلیغات دشمن،
نام برد.

وی گفت: «آنها می گویند که
مردم دل سرد شده اند و
روحیه انقلابی ندارند، بجای آنکه
از حاشیه های روزنامه های ضد -
انقلاب، نامه های ضد انقلابی آن
را بخوانند، بروند بین توده های
مردم، ببینند مردم چه می گویند».

حجت الاسلام رفسنجانی سپس
به دستاوردهای فراوانی که
انقلاب در زمینه های اقتصادی و
رفاهی به بار آورده است، اشاره
کرد و ضمن تقسیم این دستاوردها
به دو قسمت زیر بنایی و ظاهری و
روبنایی، از مسئله ذخایر منابع
نفی سخن گفت و یادآوری کرد
که عمر این ذخایر از ۲۰ سال
در زمان شاه، اکنون به ۱۰۰
سال افزایش یافته است.

وی آنگاه، در ارتباط با
مسائل مالی که انقلاب در مقابله
با امپریالیسم آمریکا دارد به
وام هایی که امپریالیسم آمریکا
به ایران تحمیل کرده بود اشاره
کرد و غارتگریهای آمریکا رادر
این زمینه تشریح کرد.

حجت الاسلام رفسنجانی سپس
گفت: «حال آقایان بنشینند
بگویند انقلاب نشده، بگویند
انقلاب کاری نکرده، بگویند
مردم دل سرد شدند. خاک بر این
دهنهایی که می دانند و این همه
چیزها را اطلاع دارند و باز
حاضر نیستند اعتراف کنند،
انقلاب شده در کشور».

حجت الاسلام رفسنجانی سپس
با اشاره به اخراج جاسوسان
آمریکایی که تحت نام کارشناس
فعالیت می کردند، از ابتکار و
خلاصیت عظیمی که متخصصین و
تکنیسین های ایرانی در زمینه
ساخت قطعات مورد لزوم صنایع
کشور نشان داده اند نام برد و
گفت: «وقتی فهمیدند که آقا بالا -
سری از نوع آمریکائی ندارند،
هزار بار بهتر از آنها دارند کار
خودشان را می کنند».

حجت الاسلام رفسنجانی آنگاه
با اشاره به استقرار نهادهای
انقلابی از جمله مجلس شورای
اسلامی، تشکیل دولت، از
دستاوردهای رفاهی انقلاب برای
توده های مردم سخن گفت و تاکید
کرد: «آمریکا از این کشور طرد
شده است».

آنگاه آیت الله موسوی

اردبیلی که در غیاب حجت الاسلام
خامنه ای، امامت جمعه را به عهده
داشت در خطبه های پیش از نماز
درباره مسائل مختلف مملکتی
از قبیل جنگ، حکومت قانون
و امنیت قضائی سخن گفت.
آیت الله موسوی اردبیلی
همچنین تلاشهایی را که در جهت
قراردادن مسئله جنگ بعنوان
یک مسئله فرعی، صورت میگیرد،
محکوم کرد. آیت الله موسوی
اردبیلی همچنین در خطبه های نماز
به مسئله حکومت قانون و امنیت
قضائی در کشور اشاره کرد و
ضمن برشمردن نارسائی هایی در
این موارد گفت: «امیدواریم با
تلاش بیشتر و همکاری بیشتر
برادران و خواهران و همفکرین
بیشتری که اکنون در جامعه می -
بینیم این مسئله حل شود».

وی همچنین تاکید کرد که نقائص
موجود در این زمینه ها به نارسایی -
تراشی و عدم اجرای صحیح
برنامه های انقلاب در زمینه های
تجارت، صنعت و کشاورزی و
دیگر زمینه ها کمک می کند و
بهین جهت باید با بسیج تمام
نیروها و امکانات، به حل این
مسائل پرداخت.

در مراسم نماز دیروز که با
حضور گروهی از خانواده های
شهیدای انقلاب و نیز جمعی از
معلولین انقلاب برگزار شده بود،
مراسم خاصی در ستایش از این
جانبازان انقلاب انجام گرفت.
مردم انقلابی تهران در این مراسم
با شعارهای «درود پر خمینی»
سلام بر جانبازان و «روحانی خط
امام بر تو درود بر تو سلام»
تلاشهای ضد انقلاب برای تضعیف
رهبری انقلاب و روحانیت مبارز
پیرو خط امام را محکوم کردند.

چند نقطه استراتژیک در ...

بقیه از صفحه ۱
۷ کرکوک شامل ۵ تپ و یک ستون زرهی را سرکوب کردیم.
وی همچنین گفت: ۳۰۰ تن از آنان را بهلاکت رساندیم و یک
موشک انداز، یک سکوی پرتاب موشک، دو لودر و ۲ تانک آنان را نابود
کردیم و بطور کلی عملیات طوری بود که ما این جبهه را گورستان
مزدوران عراقی نامیدیم».

همچنین در منطقه بوسود، رزمندگان انقلاب یکی دیگر از
ارتفاعات حساس را از تسلط دشمنان خارج ساختند. گزارش دیگر
خبرنگار خبرگزاری پارس از جبهه های اهواز حاکیست طی روزهای
۲۲ و ۲۳ بهمن، ۱۷ تن از رزمندگان انقلاب که مجروح شده بودند
به بیمارستانهای اهواز انتقال یافتند. گزارش دیگر نیز حاکیست
که هوایروز جمهوری اسلامی ایران روز ۲۳ بهمن، مواضع دشمن
متجاوز را در جبهه کرخه کور در منطقه سدوند خودی درهم کوبیدند.

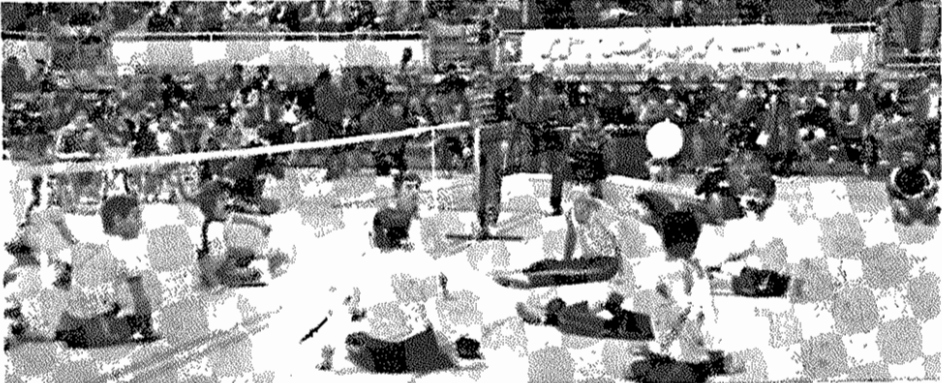
بر طبق همین گزارش تجاوزگران صدامی در همین روز، شهر سوسنگرد
و روستای مالکیه را آماج سلاحهای سنگین خود قرار دادند که با
پاسخ متقابل رزمندگان انقلاب مواجه شدند. در این تهاجم دشمن،
۴ نفر شهید و ۳ نفر زخمی شدند. بر پایه گزارش دیگر خبرگزاری
پارس از جبهه های ایلام، توپخانه سنگین دوزن ارتش جمهوری اسلامی
ایران در یکی از جبهه های غرب مواضع و سنگرهای دشمن را زیر
آتش قراردادند و خساراتی به آنان وارد آوردند. استاندار ایلام در
گفتگویی با خبرنگاری پارس از جمله اظهار داشت: «کلیه ارتفاعات
استراتژیک و مهم منطقه در نوار مرزی ایلام در تصرف نیروهای دلاور
ماست».

عملیات پاسداران انقلاب

روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
در طی اعلامیه ای که در اختیار ستاد تبلیغات شورای عالی دفاع قرار
گرفت گوشه ای از عملیات رزمندگان سپاه را در روزهای ۲۲ و ۲۳
بهمن تشریح کرد. بر اساس این اعلامیه، در حمله پاسداران انقلاب
به پادگان «فرمان» عراق بیش از ۱۱ تن از تجاوزگران صدامی
بهلاکت رسیدند. همچنین در منطقه چنگوله در غرب کشور، با
مین گذاری جاده تدارکاتی دشمن، یک دستگاه تانک دشمن منهدم
و عده ای از تجاوزگران بهلاکت رسیدند. بنابر همین اعلامیه،
پاسداران انقلاب در طی عملیات هماهنگ با سایر نیروهای مسلح
انقلاب در منطقه میمک، یک منطقه مهم استراتژیک به تصرف رزمندگان
انقلاب درآمد و تلفات سنگینی به تجاوزگران صدامی وارد شد.

همچنین بر اثر آتش سلاحهای سنگین و سیک پاسداران انقلاب،
یک انبار مہجات دشمن در منطقه دارخوین کاملا نابود شد. در جریان
این عملیات، چندین سنگر اجتماعی و انفرادی متجاوزین نابود شد.

بزرگداشت خانواده شهدای انقلاب



صحنه ای از مسابقه والیبال بین دو گروه از معلولین

مراسم بزرگداشت خانواده
شهیدا در سالروز انقلاب در سالن
۱۲ هزار نفری مجموعه ورزشی
«آزادی» برگزار گردید.
این مراسم با رژه معلولین
ورزشکار آغاز شد و سپس پیام
معلولین انقلاب خطاب به مردم
ایران توسط یکی از معلولین
قرائت شد. آنگاه مسابقه های
ورزشی ویژه معلولین آغاز
گردید. اولین مسابقه بین نا -
بینایان برگزار شد و تیم ۱۷
شهریور به پیروزی رسید. سپس
معاون سازمان تربیت بدنی، پیام
این سازمان را خطاب به معلولین
قرائت و اعلام کرد که بزودی
باشگاه روشندان و معلولین
تاسیس خواهد شد.
آنگاه مسابقه والیبال بین
معلولین تهرانی و تبریزی برگزار
شد که به نفع تیم تبریز به پایان
رسید.

دو نکته اساسی درباره سیاست خارجی

مبانی و نیز خطوط اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، متأسفانه هنوز تدوین نشده‌اند، گرچه اصول سیاست خارجی در قانون اساسی تصریح شده‌اند، و اگر این اصول به درستی تفسیر و تعبیر گردند، تدوین مبانی و خطوط اساسی سیاست خارجی، با تمام دقت و بررسی همه جانبه‌ای که لازم دارد، چندان دشوار نیست.

عدم تدوین مبانی و خطوط اساسی سیاست خارجی باعث آنستکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هنوز، متأسفانه پس از دو سال که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، دچار تزلزل‌ها و سردرگمی‌هاست. در میان اظهار نظرهای درستی که از جانب شخصیت‌های مختلف در مطبوعات انتشار می‌یابند، باره‌ای اظهار نظرها نیز مشاهده می‌شود که نمایان‌گر همان سردرگمی‌ها و یا احیاناً اشتباه و یا خطا هستند.

ما تا کنون بارها درباره سیاست خارجی، چه درباره مبانی و خطوط اساسی آن، چه درباره مسائل مشخصی که در مورد مناسبات با این یا آن کشور بیس آمده، اظهار نظر کرده‌ایم و طرح و پیشنهادهای معینی نیز بعنوان نظراتی که می‌تواند مورد توجه مقامات مسئول قرار گیرد، ارائه داده‌ایم.

ولی بنظر می‌رسد که بحث جهت تدوین مبانی و خطوط اساسی سیاست خارجی ادامه دارد، و لذا ما نیز به ارائه نظرات خود ادامه می‌دهیم، باشد که مورد توجه قرار گیرد.

ما در این مقالی که امروز به نظر خوانندگان می‌رسانیم، بحث می‌کنیم که به دو نکته اساسی درباره سیاست خارجی، به اختصار، اشاره کنیم، دو نکته‌ای که برای تدوین مبانی و خطوط اساسی سیاست خارجی دارای اهمیت درجه یک‌اند:

نکته اول اینستکه، سیاست خارجی، ادامه سیاست داخلی، در برقراری مناسبات با دیگر کشورها و خلق‌های جهان است، و نکته دوم این است که، برای اجرای یک سیاست داخلی، به عنوان ادامه سیاست داخلی، به درستی از نظر مبانی و خطوط اساسی تدوین گردد، باید جهان خارج، یعنی دیگر کشورهای جهان را بدرستی شناخت.

سیاست خارجی، ادامه سیاست داخلی، در مناسبات با دیگر کشورهای است

وقتی گفته می‌شود که سیاست خارجی، ادامه سیاست داخلی است، یعنی سیاست خارجی نمی‌تواند و نباید در جهتی عمل کند که متناقض و یا مخالف و یا بیگانه با اهدافی باشد که سیاست داخلی تعقیب می‌کند، یعنی سیاست خارجی باید به گونه‌ای عمل کند که به سیاست داخلی در دستیابی به اهدافی که در برابر دارد، کمک کند. این حکم کلی درباره تمام دولت‌ها، اعم از دولتهای امپریالیستی یا دولتهای سوسیالیستی، دولتهای دست‌نشانده استعمار یا دیپلماتیک دولتهای سوسیالیستی استقلال طلب، صدق می‌کند.

مثلاً دولت امپریالیستی آمریکا، که در واقع ارگان اجرایی اراده انحصارهای امریکایی است و در سیاست داخلی وظیفه دارد که حداکثر سود ممکن را برای این انحصارها تأمین کند، در سیاست خارجی نیز، از طریق برقراری سلطه استعماری و یا نو-استعماری بر دیگر کشورها و بر دیگر خلق‌ها، چه به وسایل دیپلماتیک و "خزده" و چه به وسیله اعمال قهر آسکار، همین وظیفه را دنبال می‌کند.

این دولت که در سیاست داخلی وظیفه دارد است حداکثر سود ممکن را برای مجتمع صنعتی-نظامی امریکایی تأمین کند، در سیاست خارجی نیز، در راه رسیدن به همین مقصود، می‌کوشد که در مناطق مختلف جهان تسخیر بیافریند، بین دولتهای مختلف منافعه ایجاد کند، تا بدین وسیله سابعه تسلیحاتی را برانگیزد و واسطه بفروشد، آتش حکمهای منطقه‌ای را شعله‌ور کند، تا بازار فروش اسلحه

رونق گیرد و ...

یا مثلاً "دولت سوسیالیستی شوروی، که ارگان حاکمیت خلق زحمتکش‌ها از استعمار است، در سیاست داخلی وظیفه دارد است که به ویژه نیازمندی‌های مادی و معنوی خلق را بنحوی فزاینده تأمین کند، این وظیفه وقتی بنحو احسن قابل احرارست که حتی المقدور از هزینه‌های غیر-تولیدی، از هزینه‌های نظامی کاسته شود. لذا دولت شوروی در سیاست خارجی می‌کوشد صلح استوار باشد، سابقه تسلیحاتی مهار شود، مناقشات فروکش کند، مناسبات بین دولتها بر مبنای اصول همزیستی سالم‌تر میسر برقرار شود، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری نباشد، خلقها بتوانند از زیر یوغ امپریالیسم رها شوند، استقلال واقعی کشورها و خلقها تأمین گردد و مداخله در امور داخلی دیگر کشورها قطع شود و ...

یا مثلاً کشوری از "جهان سوم" را در نظر بگیریم، فرضاً لیبی را، که خود را از جنگ سلطه امپریالیسم رها ساخته، می‌خواهد استقلال واقعی و تام و تمام خود را تأمین کند. این کشور در سیاست داخلی خود را موظف می‌داند که قدرت تولید داخلی خود را پیوسته افزایش دهد، احتیاجات مادی و معنوی خلق را برآورده سازد و چون اجرای این وظیفه با خصوصیت امپریالیسم و دولتهای دست‌نشانده برخورد می‌کند، لذا سیاست خارجی لیبی بصورت مبارزه با امپریالیسم و عمال امپریالیسم عمل می‌کند، لیبی در صف کشورهای ضد امپریالیستی و جنبش‌های استقلال طلب ضد-امپریالیستی قرار می‌گیرد. لیبی با اجرای چنین سیاست خارجی، از یک سو خصوصیت و مداخلات امپریالیسم و ایادی آن را خنثی می‌کند، و از سوی دیگر رسد مستقل خود را تأمین می‌نماید.

کشور ما - جمهوری اسلامی ایران - کشوری است که با انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن، خود را از زیر یوغ رژیم دست‌نشانده و کوشش فرمان امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، نجات داده است. روند انقلاب، ضمن یک درگیری حیاتی و ممتدی با امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پیروان آن، ادامه دارد. در سیاست داخلی ما وظایف بسیار مهمی در پیش داریم:

باید ضد انقلاب را سرکوب کنیم، بورژوازی لیبرال ایران را، که سعی دارد راه بازگشت امپریالیسم را بگشاید، مزوری سازیم و فعالیت آنرا فلج کنیم، چرخ تولید داخلی را با تمام نیرو بحرکت درآوریم، کشاورزی را رونق و اعتلا بخسیم، صنایع راه‌آزاد صنعتی توسعه دهیم، صنایع سنگین و کلیدی ایجاد کنیم، بیکاری را ریشه‌کن سازیم، کرای و تورم را مهار کنیم، توزیع کالاها را ضروری و توزیع ثروت را بر مبنای عدالت و به سود مستضعفان سازمان دهیم، ریشه بیسوادی را در سطح کشور برکنیم، آموزش و پرورش را رها از "غربزدگی" سازمان و گسترش دهیم، دانشگاه‌ها را به مراکز کسب علوم و فنون مخرج و باور تبدیل کنیم و ... خلاصه کشور را در همه زمینه‌ها بسود توده‌های میلیونی زحمتکشان نوسازی کنیم.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید در خدمت همین سیاست داخلی، همین وظایفی که در برابر سیاست داخلی قرار دارند، در خدمت رشد مستقل همه جانبه کشور بسود زحمتکشان و مستضعفان باشد.

مثلاً برای توزیع عادلانه کالا-های ضروری و توزیع عادلانه ثروت، در سیاست داخلی از جمله باید بازگشتی خارجی را ملی کنیم، عمده‌فروشی داخلی را نیز زیر کنترل دولت قرار دهیم و نیز در سیاست خارجی، در برقراری مناسبات بازرگانی با دیگر کشورها (که باید در خدمت همین سیاست داخلی باشد) ما می‌توانیم و باید فقط بر مبنای برابری حقوق کامل

و سود متقابلاً عادلانه عمل کنیم. یا مثلاً ما در نظر داریم که رشد صنعتی مستقل خود را تأمین کنیم. برای این کار باید خود را از زنجیر صنایع مونتاژ، که وسیله وابستگی است تماماً رها کنیم. هر واحد صنعتی که تأسیس می‌کنیم، هر کارخانه‌ای که از خارج می‌خریم، باید در داخل از لحاظ مواد خام، از لحاظ کارگر و کادر فنی از لحاظ ساخت قطعات یدکی تأمین شود. هر کمکی که برای تأسیس این کارخانه از خارج گرفته شود، باید موقت و طبق قرارداد محدود به زمان معین، حتی المقدور کوتاه باشد، از جمله زمان تربیت کارگران متخصص. خط اساسی سیاست رشد صنعتی کشور باید تأسیس صنایع مادر و کارخانه‌های تولید کارخانه باشد. برای رسیدن به این مقصود، مادر برقراری مناسبات با دیگر کشورها، در انجام معامله با دیگر کشورها برای تأسیس صنایع مادر، باید در نظر بگیریم که معاطله فقط بر مبنای شرایطی انجام پذیرد که پس از مدت معین حتی-المقدور کوتاهی، واحد صنعتی مادر، صادر دزد و از همه لحاظ متکی به نیروی داخلی بتواند کار کند.

خلاصه، مناسبات ما با دیگر کشورها باید از موضع تقویت استقلال در جهت پیشرفت همه جانبه اقتصاد کشور و بهبود زندگی زحمتکشان باشد. برای توفیق در اجرای چنین سیاست خارجی، برای تأمین بصورت در برابر رخنه و نفوذ اسارت بخش خارجی، ضمن تأمین نیازمندی‌ها، باید جهان خارج و کشورهای خارجی را، چنانکه هستند، شناخت. این کار آسانی نیست، زیرا در جهان ما، امروز بیست و شش کشور وجود دارند. لذا برای شناخت آنها مقدمتاً باید تقسیم بندی کلی از آنها کرد، و سپس کوشید که شناخت هر یک از آنها را، که با آن بر حسب نیازمندی مناسباتی برقرار می‌شود، دقیق کرد.

«تقسیم» جهان

تبلیغات امپریالیستی، برای این که این شناخت مسر نماند، برای ایجاد سردرگمی در این شناخت، جهان را به گونه‌های مختلف "تقسیم" می‌کند.

از جمله در تبلیغات امپریالیستی جهان به جهان صنعتی و غیرصنعتی "تقسیم" می‌شود. در این "تقسیم" آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی مانند آلمان غربی، انگلستان، فرانسه، ژاپن و غیره، هم طراز اتحاد شوروی و دیگر کشورهای رشد یافته سوسیالیستی مانند آلمان دموکراتیک، چکسلواکی، محارستان و غیره معرفی می‌شوند، و از سوی دیگر، کشورهای غیرصنعتی سرمایه‌داری مانند پاکستان و عربستان سعودی یا کشورهای رشد یافته سوسیالیستی نظیر ویتنام و کوبا همگون قلمداد می‌گردند. اغراض این گونه "تقسیم"، استعمار خصمیت امپریالیستی کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری و نیز تلقین این دروغ بزرگ به مردم است که فرقی بین کشورهای سوسیالیستی و سرمایه‌داری، فرقی بین کشورهای رشد یافته در راه سرمایه‌داری وابسته با کشورهای رشد یافته در راه سوسیالیسم نیست.

در تبلیغات امپریالیستی هم-چنین جهان به کشورهای غنی و کشورهای فقیر "تقسیم" می‌شود. این "تقسیم" نیز همان هدف گمراه کننده را تعقیب می‌کند. اگر جهان ما به کشورهای غنی و فقیر "تقسیم" شوند، هم کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته غنی (که ثروت خود را بر مبنای لغواستعمار و کارآیی نظام‌ها از مالکیت خصوصی بر وسائل تولید کسب کرده‌اند) در یکسو قرار می‌گیرند، و در سوی دیگر هم کشورهای فقیر قرار می‌گیرند که از طرف

امپریالیسم غارت می‌شوند و هم کشور-های نو استقلال‌ی که وارث فقری ناشی از استعمار گذشته هستند. در تبلیغات امپریالیستی جهان هم چنین به "شمال" و "جنوب" تقسیم می‌شود، که باز هم حرف مفتی است که با بیان دیگری، همان اغراض را تعقیب می‌کند که در دو نوع تقسیم بندی قبلی به آنها اشاره کردیم.

تقسیم جهان به "دو ابرقدرت" در یک سو و بقیه جهان در سوی دیگر، که سپس به تئوری کاذب ضد انقلابی "سه جهان" توسط مائوئیسم "تکامل" یافت، نیز نوع دیگری از "تقسیم" جهان است، که هدفش محو تناقض موجود واقعی بین امپریالیسم و سوسیالیسم، بین آمریکا و شوروی، بین کشورهای رزمنده علیه امپریالیسم و کشورهای در بند اسارت نو استعماری امپریالیسم است. این تقسیم بندی موزیانه ضد انقلابی، شوروی را نوعی امپریالیسم (سوسیال امپریالیسم) معرفی می‌کند، فرقی و تناقض موجود بین کشورهای سوسیالیستی را با کشورهای امپریالیستی می‌زداید، کشورهای امپریالیستی را از زیر ضربه نبرد رهایی بخش ضد استعماری خارج می‌سازد، برای سلطه امپریالیسم در کشورهای رشد یافته ("جهان سوم") "چراغ سبز" روشن می‌کند، دوستان و دشمنان خلق‌های آسیا و آفریقا را با هم "فاصلی" می‌کند، بی‌آبرویی امپریالیسم جهان‌خوار، بویژه آمریکا، را با سوسیالیسم، بویژه شوروی، که حامی نبرد رهایی بخش خلق‌ها است، "تقسیم" می‌کند، و با این "تقسیم" بی‌آبرویی، امپریالیسم هاروچپا و لگن را، به کمک آبروی سوسیالیسم، "بزرگ" می‌کند. این تقسیم بندی، در سطح سیاست جهانی، دشمن اصلی همه خلق‌ها و همه جهان را "ابرقدرت روس" معرفی می‌کند و پیشنهاد می‌کند که با اتحاد "جهان سوم" (کشورهای رشد یافته) و جهان دوم (کشورهای امپریالیستی - بجز از آمریکا) و نیز ابرقدرت آمریکا، جنگ "مقدسی" علیه شوروی و سوسیالیسم انجام گیرد.

(چین مائوئیست در راه رسیدن به همین هدف گام برمی‌دارد و به همین دلیل عملاً با امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، علیه سوسیالیسم و علیه کلیه کشورهای نو استقلال‌ی که علیه اسارت امپریالیستی می‌رزند و علیه همه جنبش‌های آزادی بخش، علیه تمام احزاب کارگری و کمونیستی اصیل، می‌جنگد.)

اینهاست برخی تقسیم بندیهای کاذب، ضد انقلابی و گمراه کننده‌ای که در زرادخانه تبلیغات امپریالیستی - مائوئیستی ساخته و پرداخته شده‌اند، تا خلق‌ها دوستان خود را نتوانند از دشمنان خود تشخیص دهند، تا دشمنان خود را بعنوان دوست بپذیرند و دوستان خود را بعنوان دشمن از خود برانند، خلاصه طعمه امپریالیسم واقع شود.

اما جهان را فقط بر مبنای واقعیت متناقض و تفاوت ماهوی بین دو نظام اقتصادی - اجتماعی متضاد بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم، می‌توان تقسیم کرد، و نیز گسترده‌تر، جهان را به دو جبهه "عظیم نبردی دوران ساز" می‌توان تقسیم بندی نمود، که در یک سوی این جبهه، کشورهای سوسیالیستی وفادار به جهان بینسی مارکسیسم-لنینیسم، جنبش کارگری و کمونیستی جهانی و کشورهای نو-استقلال و جنبش‌های رهایی بخش رزمنده علیه امپریالیسم و استعمار استعمار نو قرار گرفته‌اند، و در سوی دیگر آن، امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، دولتهای دست-نشانده امپریالیسم و تمام نیروهای ارتجاعی همه کشورهای صفا آرای کرده‌اند. خلاصه‌تر: جهان به دو جبهه، جبهه امپریالیسم و جبهه ضد-امپریالیسم تقسیم شده است و بین این دو نبرد همه جانبه در تمام عرصه‌ها جریان دارد، که نبردی تاریخ ساز است

و دورنمای حتمی آن مرگ امپریالیسم مرگ سرمایه‌داری، رهایی خلق‌ها از اسارت و رهایی انسان‌های زحمتکش از استعمار است.

جای جمهوری اسلامی ایران

کشور ما - جمهوری اسلامی ایران - که با انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، زنجیر اسارت امپریالیستی را گسسته و در نبردی حیاتی-ممتدی با امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، درگیر است، طبعاً "در جبهه" ضد-امپریالیستی قرار دارد و به همین دلیل مورد حمایت همه کشورهای سوسیالیستی وفادار به مارکسیسم-لنینیسم و سیاست خارجی لنینی قرار گرفته، مورد حمایت تمام کشورهای نو استقلال‌ی که راه رشد غیر سرمایه‌داری را در پیش گرفته‌اند، مورد حمایت همه جنبش‌های رهایی بخشی که برای استقلال و آزادی بر ضد امپریالیسم می‌جنگند، مورد حمایت تمام گردانهای جنبش کارگری و کمونیستی وفادار به همکاری و همبستگی بین المللی واقع شده است.

جای جمهوری اسلامی ایران طبعاً در این جبهه جهانی عظیم ضد-امپریالیستی است. وظیفه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، شناخت سرشت و خصوصیات کشورهای و جنبش‌های تشکیل دهنده این جبهه، پراکندن دود غلیظ پیشداوریهای ناشی از تبلیغات زهر آگین امپریالیستی، که مانع از شناخت آنهاست، کمک کردن به این جبهه و اخذ کمک از این جبهه در مبارزه علیه دشمن مشترک-امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و بر-قراری روابط متقابل حسنه با تمامی گردانهای این جبهه عظیم بر مبنای حسن نیت، برابری حقوق، احترام متقابل، عدم دخالت متقابل در امور داخلی، احترام متقابل به حق حاکمیت و استقلال در اخذ تصمیم و عمل و سود متقابل عادلانه است. این خط سیاسی همانقدر ضرورت حیاتی دارد که خط مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم جهان‌خوار، با امریکای جنایتکار، که دشمن اصلی خلق، و همه خلق‌های جهان است.

اما در جبهه مقابل، همه کشورها به یکسان زیر سلطه و نفوذ امپریالیسم نیستند. درجه رخنه امپریالیسم در این کشورها بیش و کم دارد. ما با امپریالیسم بسرکردگی آمریکا و رژیمهای دست‌نشانده و دستیار امپریالیسم (مانند مصر، آفریقای جنوبی، اسرائیل، پاکستان، عربستان سعودی، اردن، مراکش، عراق و برخی شیخ نشین‌های جنوب خلیج فارس و غیره) درگیر نبردیم. این نبرد بر مبنای اصل شده است. سستی در این نبرد، به معنای سستی در حفظ موجودیت جمهوری مستقل ماست. ولی با همه دیگر کشور-های زیر نفوذ کمابیش استعمار نوین امپریالیستی، درگیر نبرد مستقیم نیستیم. ما می‌توانیم و حتی لازم است با آنها روابط و مناسبات معینی داشته باشیم، البته با حفظ مواضع اصولی خود. برای برقراری چنین مناسباتی باید این کشورها را، هر یک از آنها را، بطور مشخص شناخت، درجه نفوذ استعمار نوین و رخنه امپریالیسم را در آنها بدرستی ارزیابی کرد و آنگاه چنان مناسباتی با آنها برقرار کرد که، ضمن بر طرف کردن نیازمندیهای متقابل، کمکی به تقویت امکانات آنها برای خروج از زیر نفوذ اسارتگر امپریالیسم نباشد. مثلاً کشورهای از این زمره نماز مند نفت‌اند. مانع فروشنده نفتیم. ما باید سعی کنیم که نفت خود را، بدون واسطه و مستقیمه با این کشورها، که می‌توانند نفت اند، ولی فقط تا حدودی زیر نفوذ استعمار نوین اند، بفروشیم و حتی بقیمت کمی ارزانتر بفروشیم، تا این کشورها بتوانند از نفوذ استعمار نوین بگانه‌اند. این خود نوعی مبارزه ضد امپریالیستی است.

بدینسان، خط ساسی دیگری برای وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران معین می‌شود که خط برقراری مناسبات - با حفظ مواضع اصولی - با دیگر کشورهای بیش و کم زیر نفوذ امپریالیسم اند، چنانکه به رهایی آنها بقیه در صفحه ۶

حوادث ناشی از کار، بلای جان کارگران است

گواهی یاد شهیدان قهرمان کارخانه های نساجی قائم شهر

کارگران کارخانه های نساجی قائم شهر، که همواره از پیشگامان مبارزه علیه رژیم جنایتکار شاه ملعون بودند، یکبار دیگر حماسه آفریدند.

این بار دو کارگر قهرمان به نام های امجد داداشی از کارخانه نساجی شماره ۱ و سلیمان آهنگران از کارخانه شماره ۲، در جبهه های غرب کشور، برای حفظ دستاوردهای انقلاب، دا و طلبا نه به جمع شهدای راه استقلال و آزادی ایران بیوستند. همکاران و دوستان این دو کارگر شهید، ضمن شرکت در مراسم تشییع جنازه، با آنها پیمان بستند که در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی خود در برابر برامپریالیسم خونخوار آمریکا و ایادی وابسته به آن دفاع کنند.

کارگران کارخانه نساجی شماره ۲ تصویری از کارگر شهید سلیمان آهنگران را، که روی پارچه سفیدی نقش بسته بود به سردار کارخانه آویخته بودند. گویی همه کارخانه دزی است مستحکم و در پشت آن سنگر گرفته است.

ضمن عرض تسلیت به بازماندگان این دوشهید و کارگران نساجی قائم شهر، یادشان را گرامی می‌داریم.

تجهیزات لازم، جهت کمک رساندن هرچه فوری تر به کارگران، تهیه شود. در هر مرکز تولیدی بزرگ و درجوا ره چند کارگاه و کارخانه با یک آمبولانس و درمانگاه مجهز وجود داشته باشد.

۳- وسایل کار از جهت ایمنی مجهز شوند. وسایل کار در کارخانه ها غالباً از ایمنی کافی برخوردار نیستند. بطور مثال: وسایل و ماشین آلات به طور عمده برقی هستند، ولی کمتر سیم کشی ها طبق ضوابط فنی است. سیم ها در اطراف دستگاهها پخش هستند و خطر دائمی اتصال سیم ها به یکدیگر و برق گرفتگی، کارگران را تهدید می‌کند.

با یاد دستگاه ها و ماشین آلات را مجهز به وسایل ایمنی کردند و نفس آنها را، که می‌تواند خطری برای کارگران بوجود آورد، رفع نمود. بوجود اینها اقداماتی است که در تاسیس هر کارخانه و مرکز تولیدی باید مورد نظر باشد. اما مسئله دیگر رسیدگی به حکونگی اجرای این اقدامها و نظارت بر آنها است.

۵- برای رسیدگی به حکونگی اجرای این اقدامها، وزارت کار و امور اجتماعی باید به کارگاهها و مراکز تولیدی تمام کارخانه ها و مراکز تولیدی بزرگ و کوچک، خصوصی و دولتی باشد. این هیئت همچنین باید صاحبان و مدیران کارگاه ها و کارخانه ها را ملزم به اجرای این اقدامها کند.

در این میان، کارگران نیز با ید نقش فعال خود را برای ایجاد محیط مطمئن و بهداشتی کار را ایفا کنند. کارگران باید هر کمبود و نقصان را از طریق شوراها و سندیکاها با مسئولین در میان بگذارند و اقدام های لازم را از آنها طلب کنند.

۱- البته اقدام های فوق عمومی است و باید در تمام کارخانه ها، مراکز تولیدی و کارگاه های بزرگ و کوچک اجرا شود. ولی هر کارگاه و ویژگی های خاص خود را نیز دارد و این ویژگی ها اقدام های خاصی را می‌طلبند. باید برای چنین اقدام هایی، در هر زمینه، متخصصین و دست اندکاران آن آشنا به نوع کار، طرحها و راه حل های خاص ایمنی برای نوع کار مشخص را ارائه دهند و آنرا عملی سازند. سلامت کارگران و حفظ آن امری است که رابطه مستقیم با منافع جامعه دارد. باید با اقدام های لازم و ضروری، هر چه سریعتر و بهتر در راه رفع مشکلات موجود برای ایمنی کارخانه ها و مراکز تولیدی کوشید.

آئین نامه های مربوط به بهداشت کار و حفاظت فنی، به نحوی باید تدوین شود که بهداشت کارگران و محیط کار را کاملاً تأمین کند و سوانح کار را با مراعات دقیق معیارهای فنی و کنترل موثر عموم کارکنان به حداقل کاهش یا ببرد.

توان و بیا بدین حوادث را تقلیل داد و از مخاطراتی که کارگران را تهدید می‌کند، جلوگیری بعمل آورد.

۲- برای جلوگیری و هر چه کمتر کردن حوادث اقدامات ضروری باید صورت گیرد که از جمله می‌تواند چنین باشد: (۱- کارخانه ها و مراکز تولیدی کشور، بطور عمده، از محیطی بهداشتی و سالم برخوردار نیستند و هریک بنا به نوع کار خود، کمبودهایی دارند. کارخانه های بافندگی و ریسندگی و کوره بزرگ ها و گچ بزیها عموماً فاقد دستگاه

آنها، جان کارگران را بطور جدی تهدید می‌کند. این نیز یکی از میراث های شومی است

که از رژیم طاغوت باقی مانده است. زمانی که تنها کسب سود بیشتر و غارت دسترنج حمتگشان جهت تأمین مقاصد استعمارگران امپریالیست ها و سرسپردگان داخلی آنها، مدنظر بود. در رژیم پهلوی کارگران حتی از داشتن لباس کار مناسب محروم بودند، چه رسد به دیگر وسایل ایمنی در کارخانه ها، که می‌بایستی برای حفظ سلامت آنها تأمین می‌شد.

در محیط کار هزاران حادثه در کمین جان کارگران است. باید کارگران را از این خطرات در امان داشت.
ضوابط بهداشت، حفاظت و ایمنی کار باید در برگیرنده تمامی کارخانه ها، اعم از مراکز تولیدی بزرگ یا کوچک خصوصی یا دولتی باشد.
آئین نامه های مربوط به بهداشت کار و حفاظت فنی باید با مراعات دقیق معیارهای فنی و قراردادهای سازمان بین المللی کار تعیین شود.

تهویه لازم برای پاک کردن محیط کار هستند. با در تعمیرگاه ها وسایل و مواد اضافی کار همیشه در محیط کار بر روی هم انباشته می‌شود.

۲- با ید لباس کار و وسایل ایمنی برای کارگران تهیه شود. لباس کار کارگران در بیشتر موارد مناسب نیست و از نظر وسایل ایمنی نیز اصولاً جنین وسایلی را در اختیار ندارند و یا اگر داشته باشند، ناقص است. به همین دلیل کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۳- تجهیزات ایمنی کارخانه ها و مراکز تولیدی باید کامل باشد. در بسیاری از کارخانه ها و مراکز تولیدی، وسایل و تجهیزات لازم جهت اقدام های فوری برای کمک به مجروحان و مصدومان وجود ندارد. نمونه معدن "باب نیزو" گواهی خوبی برای موضوع است. از کارگرانی که زیر آوارمانده بودند، یک نفر پس از یکی دو روز اول و سه نفر دیگر پس از هشت روز از زیر آوار بیرون کشیده شده بودند.

در حالیکه اگر وسایل کافی بود، بیرون کشیدن مصدومین سریعتر انجام می‌گرفت و امکان نجات جان آنان برآبیشتر می‌شد.

باید برای چنین مکانها و دیگر کارخانه ها و مراکز تولیدی

باید این میراث شوم را به همراه طاغوت بکورسیرد و ضوابط نوینی را برای تأمین ایمنی کارگران در محیط کار، پی ریزی کرد.

۴- کمبود وسایل ایمنی برای هر کارگر، نداشتن حفاظت و ایمنی دستگاه ها و ماشین - آلات عدم بررسی شرایط و محیط کار و غیره، تاکنون حوادث اسفبار و غم انگیزی برای کارگران بوجود آورده است. چه بسیار دستگاه ها و ماشین آلاتی که بر اثر فرسودگی مقاصد لازم را از دست داده اند. چه بسیار کارگران که در حین کار با بریده شدن تسمه ای و یا شکسته شدن قسمتی، جان خود را از دست داده اند و یا عضو ای از بدنشان ناقص شده است.

از این گذشته، نبودن وسایل ایمنی بطور طبیعی و روزمره کارگران را مبتلا به بیماری های گوناگون می‌کند. مثلاً در کوره پزخانه ها، آهک پزی - ها و رنگ کارها، همیشه بیماری های ریوی کارگران را تهدید می‌کند یا کارگران موزائیک ساز و سیمان کار، که بر اثر رطوبت محیط کار خود، دچار بیماری رماتیسم می‌شوند.

کارگران بعلت نداشتن لباس کار مناسب و دست و پا گیر بودن لباس های عادی، دست، پا و دیگر اعضای بدنشان، بر اثر ماندن زیر پرس، برخورد با دستگاه ها و ماشین آلات گوناگونی که وجود دارد، صدمه می‌بینند.

هزاران حادثه در کمین جان کارگران است. ولی می -

خبری داشتیم حاکی از کشته شدن چهار کارگر معدن ذغال سنگ "باب نیزو" (زرنند کرمان) که بر اثر ریزش معدن روی داده بود.

اجساد این چهار تن را - یک تن در روزهای اول حادثه و ۳ نفر دیگر را هشت روز بعد - از زیر آوار بیرون آوردند. یکی از تکنسین ها علت ریزش معدن را "پرتاب گاز متان" گفته بود. وی برای این مطلب تا کید داشت که بسبب مشکل بودن روش استخراج و همچنین مقدار رگاز موجود، حوادث ناشی از کار، در این معدن بیشتر است. لذا می‌بایستی حفاظت و ایمنی در این معدن بیشتر رعایت شود.

بنا به گفته این تکنسین، برای جلوگیری از این گونه حوادث در چنین معادنی می‌توان از طریق حفاری های فرعی با قطر کم و مرتبط ساختن فضای داخلی معدن با خارج، گاز موجود را به خارج از معدن انتقال داد و یا قبل از حفاری، درصد گاز موجود را توسط گروه نجات و ایمنی اندازه گیری کرد و پس از آن به حفر تونل دست زد.

خراسان

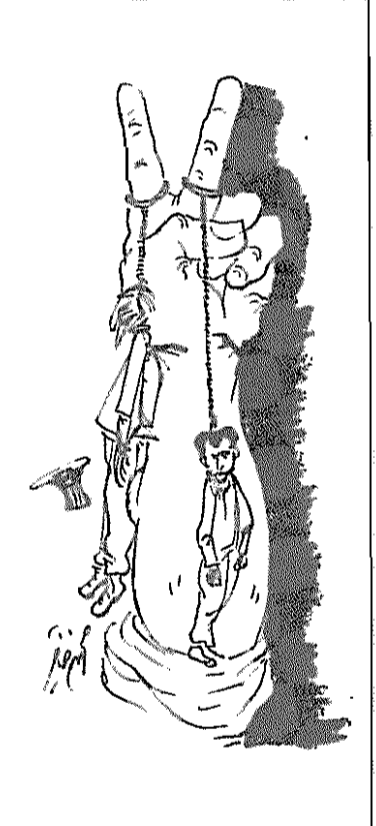
و نیز در تاریخ چهارم دیماه ۱۳۵۹، مینی بوس کارخانه شیر منطقه خراسان (واقع در ۲۰ کیلومتری جاده سنتو) دچار سانحه شد و سه کارگر زحمتکش بنام های داغری، پروانسه و جیرفتی جان خود را از دست دادند. این سانحه هنگامی رخ داد که کارگران عازم محل کار خود بودند.

در جاده سنتو، تا حدود سی کیلومتری آن، چندین مرکز تولیدی قرار دارد و خصوصاً قبل از شروع ویس از پایان کار شرکت های تولیدی، این جاده با ترافیک سنگینی روبروست. کارگران برای جلوگیری از چنین حوادثی از مسئولین خواسته بودند:

۱- از رانندگان باتجربه برای جابجایی کارگران استفاده شود.

۲- عرض جاده "سنتو" (که محل عبور کارگران چندین کارخانه و مرکز تولیدی است) تا حداقل سی کیلومتری آن افزایش یابد.

۳- تولیدی قطعات فولادی روی داده هنگامی که ورقه های فلزی بوسیله جرثقیل حمل و نقل می‌شد، بر اثر بار شدن زنجیر، ورقه های فلزی رها شد و سیای یک کارگر را بشدت مضروب کرد. و نیز خبری بود درباره یکی از کارگران ایران ناسیونال. این کارگر به داخل کانال بدون حفاظی که در مقابل در ورودی کارخانه حفر شده بود، سقوط کرد و جان سپرد. گوناگونی حوادث و تعدد



طبقه کارگرایان، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

کند. میهن انقلابی ما در رشته ریسندگی و بافندگی سابقه و تجربه فراوان دارد و سابقه مبارزاتی کارگران شاغل در این رشته علیه استبداد و امپریالیسم و حضور دائمی آنها در همه مبارزات نیز به همگان روشن است.

با توجه به این امر، از مسئولان می‌خواهیم که با اعتماد به این ستون پولادین، از آنها برای رفع مشکلات موجود، بخصوص حل معضل "بافت بلوچ"، طلب باری کنند. مسلماً کارگران و متخصصین بیدار دل این شته صنعتی، با اولین ندای مسئولان با جان و دل آماده هرگونه فداکاری خواهند بود.

در زمان حکومت رژیم منقر گذشته، کارخانه های ریسندگی و بافندگی "بافت بلوچ" در استان سیستان و بلوچستان (ایران شهر) ایجاد شد. متأسفانه چند سالی است که ماشین آلات عظیم این کارخانه، در زیر بار و باران قرار دارند و اگر از جانب مسئولان امر در جهت برآوردن کارخانه اقدامی صورت نگیرد، این کارخانه عظیم از بین خواهد رفت.

مقامات مسئول می‌توانند با پیاده کردن یک طرح ضربتی هرچه زودتر کارخانه را آماده بهره برداری کنند. خوشبختانه اراضی حاصلخیز و متعددی نظیر نواحی اطراف گرگان و گنبد نیز می‌توانند ذخایر غنی مادی اولیه (پنبه) آن باشند.

نکته قابل اهمیت اینست که، با بکار افتادن این کارخانه، حدود دو هزار و پانصد نفر، آنهم فقط در بخش صنعتی آن، به کارگمارده میشوند. در این صورت کارخانه می‌تواند با تولید میلیونها متر پارچه در سال - علاوه بر خود کفا کردن بازار داخلی - مقداری هم به خارج صادر

نگاهی به واحدهای کار با کمک کارگران و کارشناسان ایرانی، کارخانه های ریسندگی و بافندگی "بافت بلوچ" را برآه اندازیم

پایان سفر به روستاهای مهربان

ناتراحتند، حمام بصورت خزینه است و قناتهای ده احتیاج بیه لایروبی سریع دارد. آب این روستا بسیار کم است و از امکانات بهداشتی و درمانگاه خبری نیست. اهالی این روستا نیز برای مقابله با جنگ تحمیلی رژیم صدام، که به دستور آمریکا به جمهوری اسلامی ایران حمله برده است، آمادگی خود را برای شرکت در بسیج اعلام و منقضي خدمت ۵۶ خود را معرفی کرده اند. آنها همچنین مقداری نان و گوشت و پنیر به جنگ زدگان کمک کرده اند. دهقانان زحمتکش حامی واقعی انقلاب و مدافع جانباختگان میهن خود هستند. با توجه به وضع عمومی ده، برجهاد ساسانی و سایر مقامات مسئول است که هر چه زودتر جهت لایروبی قنات و ساختن حمام اقدام عاجل کنند.

کپنه حصار

در قریه کپنه حصار ۱۴۰ خانوار زندگی می کنند (۳۲ خانوار خوش نشین - جمعیت ۷۵۰ نفر). مالکین کپنه حصار چند نفرند، که دارای ۱۳۰۰ هکتار زمین مکتوب هستند. البته دهقانان می گویند که این زمینها سابقاً ۸۰۰ هکتار بوده، ولی مالکین ۵۰۰ هکتار رهم به روی زمین کشیده اند! و این ۵۰۰ هکتار، هم بنام مالک است و هم بنام دهقانان. یکی از دهقانان می گوید:

"هیئت هفت نفری به ده آمد و گفت زمین را بکار بید و ما هم یک مقدار آن را کاشته ایم و یک مقدار هم خود مالک کاشته است. ولی هیئت هنوز زمینها را به دهقانان واگذار نکرده است. ما از هیئت می خواهم هر چه زودتر کارواگذاری زمین را انجام دهد".

یکی دیگر از خوش نشینان ده می گوید:

"مالک این زمینها را با رشوه گرفته و هر ساله مقدار زیادی محصول از ده می برد و می فروشد و من خوش نشین با دیده همدان یا تهران بروم و کار کنم".

وضع راه این ده بسیار خراب است، به طوری که با اولین برف زمستان بسته میشود. مدرسه ناکلاس پنجم ابتدایی وجود دارد و حمام بصورت خزینه است. قناتهای این ده به وسیله جهاد ساسانی لایروبی شده است.

اهالی این ده از نبودن نفت و گاز و قبیل به شدت ناراحتند و می گویند:

"اگر تا چند روز دیگر نفت نیاید، راه بسته میشود و دوزستان ما از سرما می میریم".

درمانگاه و بهداشت در این روستا نیست. اهالی مبلغ ۴۱۰۰ تومان پول، مقداری نان و چند راس گوسفند به جنگ زدگان بکار کرده اند. خواستهای اساسی اهالی عبارتند از: واگذاری زمین به زمین وریدی، به وضع راه و همچنین ساختن حمام توسط نهاد انقلابی جهاد ساسانی و تامین نفت و گاز و قبیل و... با شد که با اقدامات سریع و قاطع، روستا ثبات و زحمتکش را هر روز بیشتر به انقلاب دستاورد. های آن علاقمند سازیم.

مهربان با قراء فراوانش در گوشه و کنار همدان، برگستره دشت ها غنوده است. در دامن هر کوه، در کنار بستر هر رودخانه، قریه ای محروم، فاقد امکانات مناسب زندگی، نفس می کشد. آنجا نه سرای مناسبی برای درس خواندن وجود دارد، نه خانه ای برای درمان دردهای بیماران در دهقانان منطقه، نه آبی به این قراء راه دارد و نه روشنائی برقی، سفری را که به عمق محرومیتهای روستایان قراء مهربان - نمره سالها حکومت منفرجهای او را بیاورد - همراه با هم، در چند شماره نامه "مردم" کرده ایم، امروزه پایان می رسانیم.

آق بلاغ مرشد

قریه آق بلاغ مرشد ۱۷ خانوار از جمله ۴۰ خانوار خوش نشین جمعیت ده حدود ۱۲۰۰ نفر و فاصله آن تا همدان حدود ۱۲۰ کیلومتر است. این قریه از دورافتاده ترین روستاهای این دهستان است.

یکی از دهقانان می گوید: "زمینهای خوب به مساحت ۵۰ هکتار در دست مالک است و ما تا بحال چندین بار شکایت کرده ایم، ولی هیئت واگذاری زمین تا بحال به ده ما نیامده است. مردم از زور راهی نمی شوند و می نویسند که راههای اهالی رسیدگی نمی کند. ضمناً روی مقداری از زمین ما مالک، دهقانان را بکار واداشته است".

حمام بصورت خزینه است و جهاد ساسانی در حال لایروبی قنات است. در این روستا از درمانگاه و امکانات بهداشتی و... خبری نیست.

اهالی آق بلاغ مرشد نیز برای مقابله با تجاوز آمریکا می دادند، مانند سایر اهالی دهستان مهربان، اما ده شرکت در بسیج اند و منقضي خدمت ۵۶ این روستا خود را معرفی کرده اند، آنها علیه وضع نامناسب و سفره خالی، یک وانت بار نان به جنگ زدگان کمک کرده اند. خواستهای اساسی این دهقانان مومن به انقلاب به شرح زیر است:

- ۱- واگذاری زمین خوش نشینان می گویند:
- "با دیده هفت نفری به ده دستوراً ما هر چه زودتر گاز واگذاری را به صورت قانونی شروع کنند، تا دیگر ما مجبور نباشیم برویم تهران کار کنیم و بیاییم در ده بخوریم، بیابری آریاب زحمت بکشیم".
- ۲- حمام روستایان از جهاد ساسانی می خواهند که، همراه سایر اهالی مسئول، حمام بصورت دوش در ده ایجاد کند و همچنین راهی برای این ده روستاهای دیگری که در مسیر آن قرار دارد، احداث کند.
- ۳- نفت و گاز و قبیل دهقانی می گوید:
- "اگر تا چند روز دیگر نفت نرسد، ما از بی نفتی و از سرما خواهیم مرد".

کلیک

در قریه کلیک ۱۱۰ خانوار زندگی می کنند، که از این تعداد ۲۵ خانوار خوش نشینند. جمعیت ده حدود ۶۰۰ نفر و فاصله آن تا همدان ۱۰۰ کیلومتر است. وضع راه این ده بسیار خراب است و احتیاج به مرمت دارد. این ده مدرسه دارد، ولی معلم ندارد، و مردم از این بابست

روستایان دولت آباد قم چه می خواهند؟

روانگداری زمین به آنست است. این روستایان همچنین نامه به جهاد ساسانی و اداره تعاون امور روستاها ارسال داشته اند، لیکن هیاتر کسه گروهی برای رسیدگی به خواستهای آنان آمده اند، با سفسطه و مکر و فریب اربابان خونخوار و غارتگر روبرو شده اند. اینک برهنگان آشکار سده است که نهایت آرزوی زمینداران بزرگ شکست انقلاب شکوهمند مردم زحمتکش است. خوش رقی زمینداران بزرگ درخوزستان بهنگام ورود قوای تجار و زرگران صدام نمونه ای است که بر این گفته مهر صحت می گذارد. آنان به همراهی سرمایه داران بزرگ و نیز لیبرال ها، که تا دیروز و حتی امروز، مظلومانه و در حرفه سینه به سینه تصور انقلاب می جاسانند، مصمم اند تا برگرداند، انقلاب سوار شوند و آنرا به انحراف و شکست بکشانند. آنان تعمیق انقلاب و تحقق خواستهای زحمتکشان را معایر منافع خود و مساوی مرت خویس می دانند. بی جهت نیست که امام خمینی در دیدار با نخست وزیر تاکید می کنند که:

"... گرچه به این زود پیا نمی توانیم روستاها را آنطور که شایسته است از نظر خدماتی بپوشانیم، ولی ما باید هر چه را که در توان داریم به این طبقه محروم و مستضعف رسیدگی کنیم. آری، باید رسیدگی کنیم با دیده هفت نفری هر چه زودتر و سریعتر احزاب فاسد را تدارک ببینند و از هم اکنون بندهای الف و ب را کاملاً با تمام رسانند. باید زمین به دهقان زحمتکش تعلق گیرد و نمره کارس از آن خود او باشد، او که با کار خود و اینار و فداکاری و شهادت خود و فرزندان مصمم است تا بوزه آمریکا و توکرش صدام را بر خاک مالند. همچنین باید به وضع قالی بافان در این روستا که تعداد آنان زیاد است، رسیدگی شود و باید بر طبق شرایط روستا و نیز خواست خود قالی بافان، آنان را وارد تعاونی کرد و از طریق این تعاونی برای آنان وسایل کار فراهم کرد و به نیازهای مالی آنان پاسخ داد.

روستای دولت آباد واقع در بخش تفرد و از توابع شهرستان قم است. این روستا ۵۰ خانوار و حدود ۲۵۰ نفر را در بر می گیرد. اهالی روستا به کشاورزی و قالی بافی اشتغال دارند. از ۵۰ خانوار ساکن در این روستا ۲۰ خانوار فاقد زمین هستند و در اراضی اربابی کار میکنند. زمینهای اطراف روستا اربابی است و ۲۵ خانوار زمینهای یک تا ۵ هکتاری دارند. در این روستا ۳ قنات وجود دارد و سه ارباب ده از هر قنات ۱/۵ دانگ از ۶ دانگ آب می برند. روستایان اراضی را یک پنجم می کارند. یک قسمت محصول از آن زارع و چهار قسمت از آن مالک است. حسین فردی یکی از روستایان بی زمین، می گفت:

"... این اربابها اینجا بر ما حکومت میکنند، در حالی که سقف تنها اتاق گلی، کسه در زمستان و تابستان در آن زندگی میکنیم، در حال ریختن است، خانه ارباب در مدخل روستا و بر روی بلندی واقع است، دارای اطاقهای آجری و بزرگ است.

او آنگاه ادامه داد: "ارباب مانع کار راه انداختن حمام روستا میشود. اربابها چون در ادارات دولتی آشنا دارند، مانع انجام خواستهای روستایان میکنند. این روستا فاقد امکانات درمانی و بهداشتی است. در روستای دولت آباد درمانگاه نیمه ساخته ای وجود دارد، که لازم است بوسیله نهادهای انقلابی و با همکاری خود روستایان تکمیل گردد. روستایان به هنگام بیماری باید مسافت ۴ کیلومتر تا تفرد را طی کنند. از سوی جهاد ساسانی بزرگ به این روستا می آید، لیکن به دلیل فقدان امکانات درمانی قادر به پاسخگویی نیازهای اهالی نیست. روستای دولت آباد فاقد آب لوله کشی است. قنات روستا بوسیله جهاد ساسانی لایروبی شده است. در این روستا مدرسه ابتدایی و راهنمایی وجود دارد. همچنین روستایان شورا را در این روستا تشکیل داده اند.

خواست اساسی روستایان زحمتکش روستای دولت آباد اجرای قانون اصلاحات ارضی

خوش نشین ها زمینهای مالک را کاشته اند، یکی از خوش نشینان می گوید:

"هیئت به ده آمده، ولی کار واگذاری زمین را انجام نداده و ما مجبور شده ایم خودمان زمینها را تقسیم کنیم و بکاریم".

نگار آریاب از لحاظ کشاورزی دارای موقعیت بسیار عالی است، زیرا دارای خاک حاصلخیز و زمینهای یکدست و جلگه ای است که اگر جاهای عمیق و نیمه عمیق در این روستا زده شود، دارای بهترین محصول خواهد شد. مردم آن هم کوسا و کاری هستند و بنا بر این با حل مسئله زمین و بریدن دست بزرگ مالک و دادن وسایل به دهقانان، تولید می توانند بسیار رود و محصول زیادتری بدست آید. اهالی می خواهند که جهاد ساسانی مانده های مجاور، که رفته و کار کرده، به این ده نیز بیاورد. نفت نیز، با وجود سرمای شدید، به ده نمی رسد، و این شدیداً باعث ناراحتی اهالی گردیده است.

اهالی این روستا آماده شرکت در بسیج عمومی اند و تا کنون ۲۵ راس گوسفند، یک وانت بار آرد و مقدار ۶۰۰۰۰ ریال پول نقد برای تقویت جبهه جنگ علیه تجار و آمریکایی صدام کمک کرده اند.

مدل آباد

در قریه مدل آباد دهستان مهربان (۶۷ خانوار، ۶ خانوار خوش نشین، جمعیت ۳۴۰ نفر، فاصله تا همدان ۵۵ کیلومتر). مالک حدود ۲۴۰ هکتار زمین در جریان واگذاری زمین، بین دهقانان و خوش نشینان اختلاف وجود آمده است. در حالیکه آنها می بایست دست در دست هم کار کنند و بطور متعادل کلیه زمینها را به شکل مشاع زیرکشت ببرند. دهقانان صاحب نسق حدود ۱۵۳ هکتار را بین خود تقسیم کرده اند. هیئت هفت نفری می خواستند است به بی زمینها، اراضی را واگذار کند، ولی دهقانان می گفتند: شما ۹۰ هکتار بقیه را بین خوش نشینان تقسیم کنید. ضمناً مالک ۶۳ هکتار از زمینها را هم به کدخدای ده فروخته، که دهقانان خواستار واگذاری آن نیز هستند. جهاد ساسانی به خوش نشینهای ده وام داده، که باعث رضایت خوش نشین ها شده است.

در این روستا نیز، مانند سایر روستاهای دهستان، درمانگاه و امکانات بهداشتی خبری نیست. نفت و وسایل گرم کننده نیز به ده نمی رسد. اهالی عبدالآباد خواستار شرکت در بسیج عمومی اند و تا کنون کمکهای، از قبیل نان و چند راس گوسفند، به جنگ زدگان کرده اند.

مهمترین خواستهای اهالی این روستا عبارت است از:

- ۱- واگذاری زمین به وسیله هیئت واگذاری زمین، رفع اختلاف ایجاد محیط برادرانه و احتمالاً تشکیل تعاونی با شرکت همه دهقانان، تامین آب بوسیله اداره آبیاری و جهاد ساسانی، لایروبی قنات ده و حفر چاه عمیق و بالاخره تامین سوخت.

* سفر خود را به دهات مختلف دهستان مهربان به پایمان می رسانیم. گزارش این سفر، که همراه با هم، طی چند شماره نامه "مردم" خواندیم، نشان می دهد که دهقانان دهستان

مصادره آب گرم بستان آباد توسط بنیان مستضعفین

اقدام به مصادره آب گرم بستان آباد، که از طرف بنیاد مستضعفین صورت گرفته است، مورد تأیید و پشتیبانی اهالی بستان آباد قرار گرفت. قبلاً این منبع طبیعی در تعلق ارباب ده داسکی کنده بود که وراثت آنرا اجاره میدادند. بنیاد مستضعفین با این اقدام خود، که در آبان ماه اسما به مرحله اجرا گذاشت، دست کسانی را که طی سالها این منبع طبیعی را به ناحق غصب کرده بودند، از این منبع زیرزمینی کوتاه کرد. این عمل انقلابی بنیاد مستضعفین مورد پشتیبانی قطع اهالی این منطقه واقع شد.

امام خمینی: حقوق مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه داران بزرگت خورده اند، به محرومین باز پس داده می شود

مهربان - استان همدان، آمده - اند تا با شرکت در "جهاد کشاورزی" به نبرد برای بالابردن محصول و خرید کردن محاصره اقتصادی آمریکا بپردازند و با شرکت در جبهه و در بسیج، مستقیماً در نبرد برای درهم شکستن تجاوز نظامی آمریکا توسط صدام شرکت کنند و هر کمکی را که از دستشان بر می آید، با انجام رسانند، به آنها باید کمک کرد، تا به این وظیفه انقلابی، در شرایط مساعد کار و زندگی، عمل کنند.

راديو «بی بی سی» و لیبرال ها

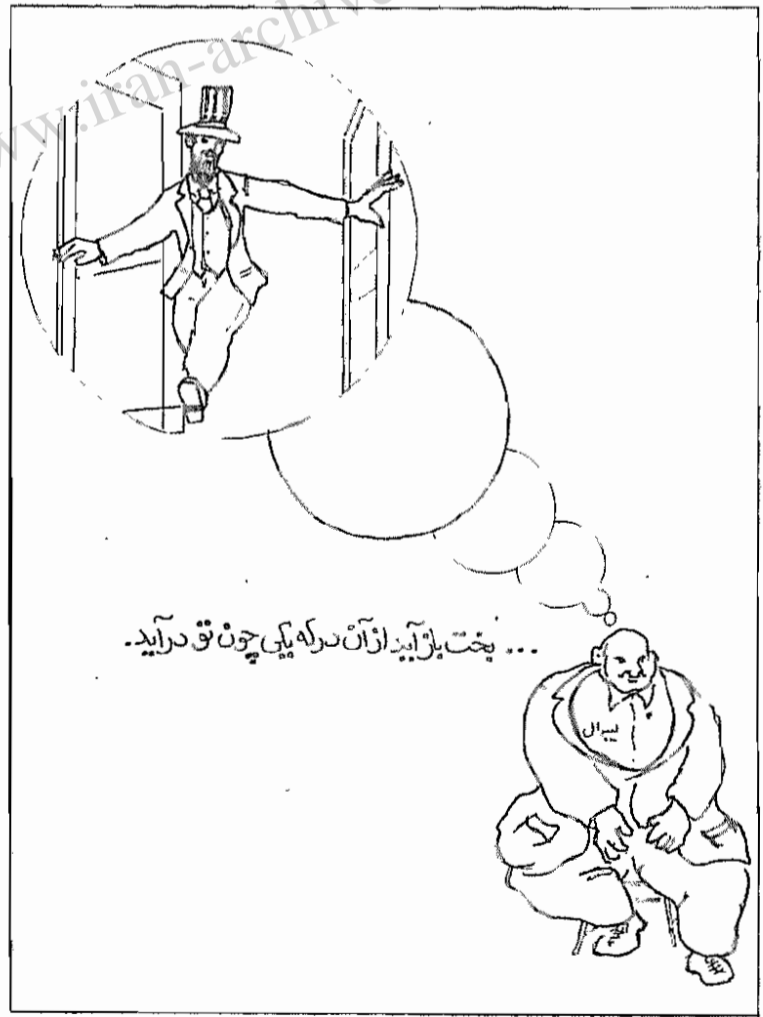
زره ذره آنچه در ارض و سماست

جنس خود را همچو گاه و کهر باست

نقش "بی بی سی"، به عنوان سخنگوی امپریالیسم بریتانیا بر هیچ کس پوشیده نیست. "بی بی سی" در نیهه زمینه فکری و جو سازی بر ضد نیروهای انقلابی ایران و کمک به نیروهای ضد انقلابی، کمک گرانمایی به امپریالیست ها کرده و می کند. کافی است به نقش تخریبی این دستگاه فریبکار در دوران جنبش ملی کردن صنایع نفت و در جریان انقلاب بهمن اشاره کنیم. کسانی که روزهای سال های ۱۳۳۵ را گذرانده اند، می دانند که راديو "بی بی سی" در حقیقت مرکز رهبری نیروهای ضد انقلابی بود. آخرین فرمان سقوط حکومت مصدق و آغاز کودتای ۲۸ مرداد، حنان که امروز همه می دانیم، از دهان گوینده راديو "بی بی سی" بیرون آمد. در دوران انقلاب بهمن نیز راديو "بی بی سی" تمام کوشش خود را برای تبلیغ سیاست لیبرال ها و ملی گرایان به کار بست. اخبار و مصاحبه ها و تفسیرهایی که "بی بی سی" در این مدت بیخس می کرد، ممددر سمت توجیه وتبلیغ مواضع لیبرال ها بود.

اما امپریالیسم بریتانیا و "بی بی سی" که سخنگوی فریبکار و دروغ پرداز آن است، در چشم مردم ایران حنان رسوا است که لیبرال ها می توانند هم صدایش را با خودشان به هیچ عنوان توجیه و تبرئه کنند و به ناچار می خواهند مردم را فریب دهند که "بی بی سی" با نقل سخنان ما خواستارست سخنگویان صدیق و امتحان داده را خاموش کند و با حاکم ساختن جو اختناق، امر به معروف و نهی از منکر را تعطیل کند. خیر آقایان! چنین نیست.

رای لیبرال ها را نقل نمی کند، که آن ها را ریر ضربه قرار دهد، اگر "بی بی سی" چنین روشی داشت، بایستی مقالات نامه "مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران را، که بی شک بزرگترین دشمن ایرانی خود می داند، بخش می کرد. "بی بی سی" مقالات "میزان" را برای شنوندگان خود بخش نمی کند که بر لیبرال ها صدمه بزند، بلکه کاری را انجام می دهد که لیبرال ها از صدای جمهوری اسلامی ایران توقع دارند و توقع شان برآورده نمی شود. این که "بی بی سی" از میان این همه گفته ها و نوشته ها، که در مطبوعات و راديو و تلویزیون پخش می شود، به گفته ها و نوشته های لیبرال ها این همه توجه و دقت می کند، آن ها را تلجین می کند و عرش در برنامه های زهرآلود خود به خورد شنوندگان ایرانی می دهد، برای آن است که بین "بی بی سی" و لیبرال ها، سخنی فکری وجود دارد. می گویند "بهمن بگو دوست کیست، تا بگویم خودت کیستی".



از انقلاب ایران نیز همان نقش تبلیغ و سازماندهی به سود لیبرال ها را ایفا می کند. بی بردن به "فقه" های تبلیغاتی "بی بی سی" کار آسانی نیست. نه تنها مردم عادی، بلکه حتی روشنفکرانی که به روز سیاست کشور و جهان وارد نباشند نیز به سادگی در دام تبلیغات "بی بی سی" می افتند. باید اعتراف کرد که در بین رادیوهای امپریالیستی، که برای ایران برنامه دارند، هیچ یک چون "بی بی سی" نمی توانند سود امپریالیسم (و بی شک به زبان انقلاب ایران) جوسازی کنند. تجربه ممتد استعمار بریتانیا در سرق و روابط گسترده ای که با جوامع شرقی و بخصوص با کشورهای مسلمان نشین طی دو بیست سال اخیر داشته، در ساختن این جوامع و نقاط ضعف و قوت آن ها تاثیر مهمی به جای گذاشته است. امپریالیسم بریتانیا این شناخت را چون چراغی در دست دزد برای بردن گزیده ترین کالاها و ربودن قلب های خاک به کار می برد.

تاکتیک "بی بی سی" در مرحله کنونی انقلاب، گرد آوردن سپاه برای لیبرال ها است. بعید نیست که اگر این سپاه - به گمان امپریالیست ها - آماده شد، فرمان حمله را نیز، مانند گذشته بار "بی بی سی" صادر کند. "بی بی سی" سیاست مشخصی را، که رئیس آن در وزارت امور خارجه و سازمان های اطلاعاتی بریتانیا تنظیم می شود، تبلیغ می کند. این سیاست دارای سمت همین است و "بی طرفی" "بی بی سی" تنها سرده فریب برای ناآگاهان سیاسی است. چون این سمت در حال حاضر سمت تأیید و سننمایی از لیبرال ها برای ایجاد یک حکومت "میانرو" در ایران است، برنامه ها و تفسیرها و اخبار "بی بی سی" نیز در جهت نبل به این هدف تنظیم می شود.

"بی بی سی"، برخلاف نوشته روزنامه "میزان"، گفته ها و نوشته

دو نکته اساسی...
 بقیده از صفحه ۳
 از زیر این نفوذ کمک ند باشد والتبسه، ضمناً نیازمندی جمهوری اسلامی ایران نیز در مورد معینی برآورده شود. بطور کلی مبنای سیاست خارجی

برقرار آید اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

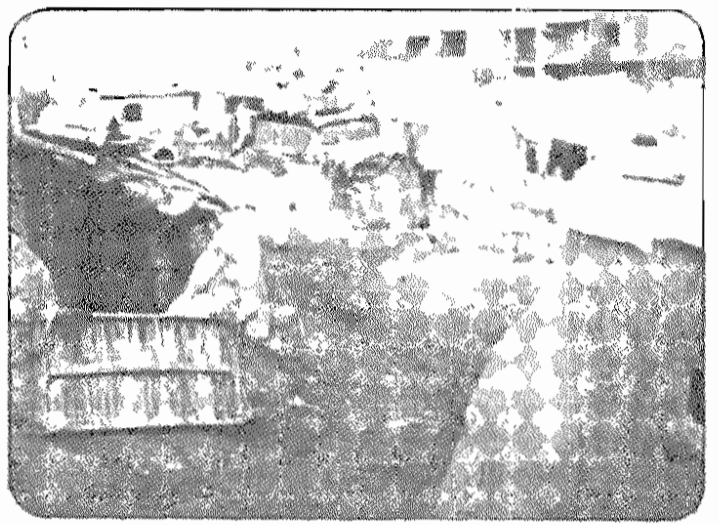
کارگران محله دباغی تهران: مایحتاج اولیه زندگی را هم ندارند

محله فقیرنشین دباغی در ۲۰۰ متری جنوب شرقی میدان شوش، یکی از محله های محروم کشور ما و یکی از میراث های شوم رژیم منحوس پهلوی است.

ساکنین این محله، که بالغ بر ۱۵۰ خانوارند، بیشتر متشکل از روستائیان هستند که به دنبال سیاست های ضد مردمی رژیم گذشته، از روستاهای اطراف برای یافتن «خوشبختی» به تهران رهسپار شده اند، اما محرومیتها در اینجا بر سرشان آوار شده است.

محل سکونت اهالی دباغی دخمه های تنگ و تاریکی است به مساحت ۵ یا ۶ متر، که به طور متوسط ۵ نفر در آن زندگی می کنند. محله فاقد آب لوله کشی است و آب مورد نیاز ساکنان آن، از شیر آبی که در نزدیکی محله قرار دارد، تأمین میشود.

اغلب زحمتکشان دباغی کارگران کوره های آجرپزی اطراف تهران



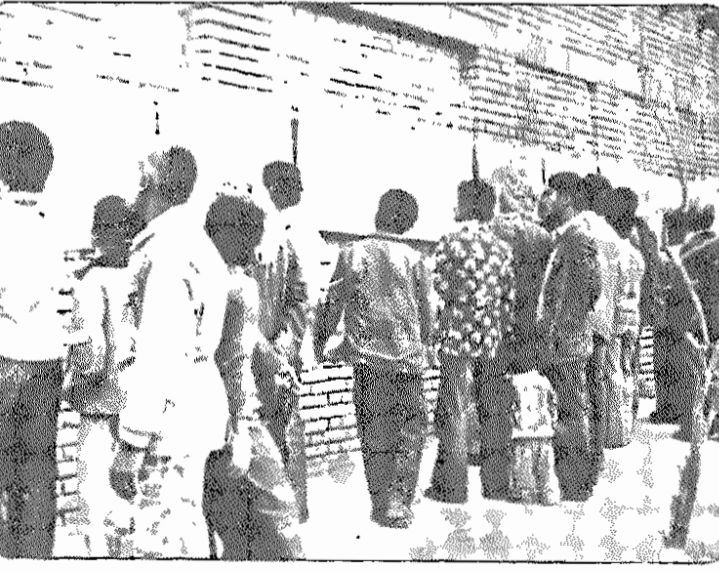
کارگران قهرمان ایران نباید در این بیفولها زندگی کنند

یا دست فروشان خرده ها هستند. گاه دیده میشود که فقر و بی چیزی آنچنان برگشته این محله پنجه افکنده است که حتی سالخوردگان نیز، چپورند، برای گذران زندگی طاقت فرسایشان، پاهای جوانان کار کنند.

متأسفانه بیش از نیمی از بچه های محله دباغی به دلایلی مانند نداشتن شناسنامه و همچنین بردوش کشیدن گوشه های از خرج گرسنگن خانواده، به ناچار از تحصیل محروم شده اند.

باهر کدماشان که حرف می زنی، درددل زیاد دارند، اما همه در دشان یکی است و در یک چیز مشترکند: نداشتن مایحتاج اولیه زندگی. ما از مقامات مسئول بمرانه می طلبیم که هر چه زودتر با رسیدگی به وضع زندگی این زحمتکشان، آنها را پیش از پیش به انقلاب و دستاوردهای آن امیدوار سازند.

نمایشگاه توطئه های امپریالیسم آمریکا در بهمن



از طرف سازمان جوانان توده ایران در بهمن، نمایشگاه عکس همراه با شعر و مقاله تحت عنوان «صحنه هایی از جنگ عادلانه دلاوران جمهوری اسلامی ایران»، به مدت دو روز، در این شهر برگزار شد.

در این نمایشگاه عکسهای از شهادت جنگ، صحنه های از جایات تجاوزگران صدام و شرح شهادت رفقای تودهای، همراه با عکس آنها به نمایش گذاشته شده بود. همچنین این نمایشگاه حاوی مطالبات از توطئه های دستگاه امپریالیسم آمریکا، اظهار نظرهای رهبران و مقامات برجسته مملکت و کشورهای دوست مثل کوبا، سوریه، الجزایر، جمهوری دمکراتیک خلق کره، لیبی و جمهوری دمکراتیک خلق یمین بود.

این نمایشگاه که به مدت دراز ترار کشید، مورد استقبال اهالی قرار گرفت.

آقای بنی صدر! اتهام زنی شایسته رئیس جمهور نیست

بقیه از صفحه اول

بستاید، مردم را به نیروی شکست خود در استقامت در برابر توطئه‌ها امیدوار سازد، و باتکیه بر توان رزمندگی، ایثار، ایمان و فداکاری این مردم، که منشاء آن همه پیروزیها و دستاوردها بوده است، آیندۀ درخشان این سرزمین و این مردم را امری محتوم بشمارد. اما متأسفانه رئیس جمهور به تبلیغ همان نظریاتی پرداخت که نویسنده‌گان روزنامه «انقلاب اسلامی» پیش از این و تا هم‌اکنون، در راه تبلیغ آن قلم بسیار زده‌اند و خوشبختانه راه‌بجائی نبرده‌اند.

سخنران آقای بنی‌صدر، مانند محتوای برخی مقالات روزنامه «انقلاب اسلامی»، تقابل دوخط و دو موضع است که چون امام خمینی دولتمردان را از رویارویی و اختلاف بر حذر داشته‌اند، آقای بنی‌صدر مطالب خود را خطاب به ما گفت، تا «آنها» بشنوند، به «در» گفت تا «دیوار» در گوش گیرند! اما این «تدبیر» آقای رئیس‌جمهور کاری از پیش نمی‌برد و همه میدانند که دعوا، دعوی دو خط و دو موضع است، یکی خط امام و مسلمانان مبارز پیرو این خط، و دیگری خطی که در برابر خط امام قنصل کرده، اما هنوز جسارت آنرا نیافته است که صریح و عریان مواضع خود را در مسائل مهم انقلاب اعلام کند، از اینرو نارسائیه، اشتباهات، نقائص، کمبودها و برخی گرایشهای انحصارطلبانه و قشری را زیر ذره‌بین نهاده، پوشش مواضع نادرست خود قرار داده و فریاد فقدان «آزادی» و ظهور «استبداد» سر داده است.

در جریان نبرد میان خط ضدامپریالیستی و خطی امام خمینی و این خط نوظهور لیبرالی است که حزب توده ایران، به «کنانه» پشتیبانی از خط «امام خمینی» به «اقاء ایدئولوژی» متهم شده است، تا هم با این اتهام، حزب ما را «خطری» برای انقلاب جلوه دهند و هم مسلمانان مبارز پیرو خط امام را، که به تبع از خواست توده‌های محروم و رهنمودهای آقای خمینی، خواستار تعمیق محتوای ضدامپریالیستی و خطی انقلاب هستند، تحت تاثیر ایدئولوژی حزب ما قلندار نمایند و آنرا مجبور به تبری جویی و عقب‌نشینی از مواضع درست خود کنند. «اقاء ایدئولوژی» افرای لیبرال‌های وطنی است، که متأسفانه در سالگرد انقلاب، از زمین رئیس‌جمهور تکرار میشود.

همه مردم ایران میدانند که حزب توده ایران، طی چهل سال موجودیت خود، سرسخت‌ترین، و آشتی‌ناپذیرترین دشمن امپریالیسم غدار، بسرکردگی آمریکائی جهانخواهر بوده است. حزب توده ایران همواره بخاطر استقلال و آزادی این مرز و بوم در برابر امپریالیسم و مزدوران داخلی آن در سنگر رزم‌ویبیکار ایستاده، و علیرغم همه فشارها، سنکر خالی نکرده است. این نیز روشن است که مبارزات درخشان حزب توده ایران از آغاز تا پایان بخاطر پیروزی و نیکی‌بخشی طبقات و اقشار محروم مبین‌است. طی این چهل سال ما همواره اعلام داشته‌ایم که هر نظام سیاسی و هر دولتی که در جهت تحقق استقلال و آزادی و بهبود شرایط زندگی مردم زحمتکش ما عمل کند، ما از آن نظام و از آن دولت پشتیبانی خواهیم کرد. بنابراین سابقه، و کوهها نوشته‌ای که در این راستا منتشر کرده‌ایم، پشتیبانی ما از خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی امری است طبیعی که برخاسته از سرشت استقلال-طلبانه و آزادیخواهانه و مردمی حزب‌ماست. اما این نیز طبیعی است که هر نظام سیاسی در جامعه طبقاتی ما، که بخواد و جرات کند در برابر منافع طبقات استثمارگر و طرفدار هیپنوتدی با امپریالیسم پایستد و از منافع مردم مستضعف دفاع کند، خواه ناخواه چماق انواع آتیمات ازسوی طبقات امتیازطلب بر سرش فرود خواهد آمد، که در این شرایط و در این دوران، این چماق، چماق «اقاء ایدئولوژی» است، که در دست لیبرالهای وطنی بر فراز سر حزب ما و مسلمانان مبارز پیرو خط امام نگاهداشته شده است. بنابراین، هم حمایت مبتکران این اتهام روشن است و هم دلیل توسل به چنین اتهامی، متأسفانه است که رئیس‌جمهور کشور در یک خطابه رسمی، از این چماق علیه حزب ما و نیز مسلمانان مبارز پیرو خط امام استفاده کرده است.

در سخنان آقای بنی‌صدر بمناسبت دومین سالگرد انقلاب، مانند همیشه بحث بر سر ظهور «استبداد» است، آدمی در شرایطی که هشدار باید بخاطر خطر سلطه مجدد امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا باشد، آقای رئیس‌جمهور ما را به «تبلیغ استبداد حزبی و ایجاد تفرق از آزادی» متهم میکند و می‌افزاید که: «شما که تا دیروز تجدیدی بودید و در آنجا توسری می‌خوردید، شما دیگر چرا از آزادی می‌گریزید «بیچاره‌ها». شما فکر نمی‌کنید اینکه خوراک

کوری درست میکنند برای عده‌ای «نادان»، شما اقلاً به خودتان رحم کنید». مقابله با لحن ناشایست رئیس‌جمهور در شان حزب ما نیست که بیوسه با منطق و اصولیت، بسا مخالفان سیاسی و ایدئولوژیک خود برخورد کرده است. ما هرگز به حریم بد زبانی و دشنام و افترا متوسل نمی‌شویم، زیرا این حریم، حریم کسانی است که منافع ضعیف دارند و ضعف خود را با ناسزا و افترا می‌پوشانند. تعجب‌آور آنکه، آقای رئیس‌جمهور، که مدعی «معنویت» و «اخلاق اسلامی» است، در یک خطابه رسمی، با لحنی چنین توهین‌آمیز با ما سخن می‌گوید و تازه مدعی است که این حزب توده ایران بوده است که «فحش و ناسزا را بجای انتقاد در این کشور رواج داده است!»

ما قصد یاداش به «کلوخ‌انداز» را نداریم، ولی درباره محتوای افرای ایشان، که گویا ما تبلیغ استبداد میکنیم و از آزادی گریزانیم، نمیتوانیم ساکت بمانیم. باید نظر میرسد که آقای بنی‌صدر نداند که نخستین سازمان سیاسی که در ایران علیه فاشیسم و دیکتاتوری و سلطنت مطلقه به مبارزه با امان دست زد، حزب توده ایران بود و آغاز آن زمانی است که آقای بنی‌صدر دوران کودکی خود را میگذراند. اما ایشان که خود را اهل مطالعه میدانند، باید قبل از هر چیز به تاریخ معاصر کشور خود آشنا باشد و آنهم نه از روی نوشته‌های روزنامه «شاه» و مجله «تهرانبه‌صورت» و اتهامات مائین دروغساز «سیاه» و «سواوک»، بلکه تاریخ واقعی را باتکیه برواقیات مرور کند.

در تاریخ پس از شهریور ۱۳۲۰، حزب توده ایران نخستین و یگانه سازمان مدافع «آزادی» و مخالف سرسخت «استبداد» بوده است و در این بیکار، گروهی از برترین مبارزان خود را از دست داده است. از فقدان آزادی و سلطه استبداد، هیچ حزب و سازمان و گروه سیاسی مانند حزب توده ایران لطمه ندیده است. اما اختلاف ما و آقای رئیس‌جمهور در تعریف «آزادی» است و اینکه آزادی برای کی، کدام طبقه و بخاطر کدام هدف؟ شما آزادی را در چارچوب آزادی گفتن و نوشتن محصور میکنید و سایر وجوه آزادی را، که تامین حقوق اقتصادی زحمتکشان است به فراموشی می‌سپارید؛ و ما آزادیهای سیاسی را فقط جزئی از حقوق دموکراتیک مردم میدانیم که بدون تامین کل حقوق دموکراتیک، یعنی حق کار، حق مسکن، حق سوادآموزی و تحصیل و حق برخورداری از یک زندگی شایسته انسانی برای مردم زحمتکش، آزادی‌های سیاسی چیزی جز در خدمت استثمارگران نیست و همان آزادی پوچ و تهی از محتوایی است که جوامع سرمایه‌داری غربی بدان «افتخار» میکنند و آنرا پوشش غارت انحصارات از دسترنج زحمتکشان قرار داده‌اند. ما آزادی را بمعنای آزادی غارت، آزادی استثمار، آزادی مالکیت خصوصی بی‌حد و حصر برای یک طبقه ممتاز نمیدانیم و از آزادی مفهوم انسانی و عادلانه آنرا در نظر داریم و برای تامین چنین آزادی است که مبارزه می‌کنیم.

آقای بنی‌صدر پشتیبانی حزب توده ایران را از خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی و مسلمانان انقلابی پیرو خط امام، به «تهدیه خوراک کوری» برای عده‌ای نادان» تعبیر میکند. ماضن عدم تائید همیشگی برخی گرایشهای انحصارطلبانه و قشری، هرگز مبارزه مسلمانان انقلابی پیرو خط امام را علیه منافع طبقاتی سرمایه‌داران وابسته و حذف امتیازات نامشروع این طبقه چپاولچی «استبداد» نمی‌نامیم. ما به سبب مالکیت از فتوایها، کارخانه‌داران بزرگ و کوتاه کردن دست بازرگانان عمده و محترمان و دلالت از تجارت‌خارجی عنوان «استبداد» نمی‌دهیم. ما سرکوب ضدانقلاب را در هر لباس و با هر نقاب «استبداد» نمی‌نامیم. هر گامی که در راه تامین حقوق زحمتکشان و حفظ دستاوردهای انقلاب برداشته شود، ناگزیر در جهت محدود ساختن منافع طبقات ممتاز است، و ما از آن صمیمانه پشتیبانی میکنیم.

آقای بنی‌صدر مدعی است که: «آقای ریگان در کار تدارک دیکتاتوری در کشور ماست». و ما میگوئیم که ریگان در کار توطئه علیه

انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و استقرار سلطه مجدد امپریالیسم آمریکا در ایران است. باید مردم را متوجه این خطر جدی کرد و آنرا برای مقابله با آن آماده نمود، امری که امام خمینی در هر بیان و برخورد و دیدار خود با هر گروه و قشر و جمعیت، بر آن تکیه دارند، تا مردم از خطر اصلی غافل نمانند. هدف امپریالیسم آمریکا استقرار دیکتاتوری نیست، دیکتاتوری خود زاینده سلطه امپریالیسم است. اگر خطر اصلی دفع شود، یعنی اگر امپریالیسم را تمام و کمال از سرزمین خود برانیم و موضوع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنرا منهدم سازیم و استقلال واقعی خود را بدست آوریم، آزادی واقعی مردم نیز تامین خواهد شد. «ریگان» خود به بیان صریح میگوید که خواستار برکناری «تندرخواه» روی کار آمدن یک دولت «معتدل» است، یعنی دولتی که با امپریالیسم آمریکا کنار بیاید و نخست استقلال ما را از بین ببرد و سپس آزادی ما را پایمال کند.

آقای بنی‌صدر از زبان یک تاریخ‌شناس آمریکائی بنام «بریتون» می‌خواهد به مردم ما تلقین کند که هر انقلابی به استبداد می‌انجامد و شاهد تاریخی، «انقلاب مشروطه، انقلاب نفت، انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب (روسیه) است، که همه آنها به استبداد انجامید» و بنابراین «باید قبول کرد که انقلاب ما هم به استبداد خواهد انجامید».

اگر بدنای این استدلال تاریخ‌شناس آمریکائی که معلوم نیست چرا مهمل‌گویی‌های او این چنین توجه آقای بنی‌صدر را جلب کرده است، برویم، باید بپذیریم که هر انقلاب در واقع فاجعه‌ای است بنام «استبداد»، و بنابراین، بقول آن لیبرال‌شناس، باید سه‌سپار به نهار از انقلاب کردن پشیمان بود! پس امپریالیسم و طبقات مرتجع و وابسته، که با تمام نیروی سرریزه خود جلوی انقلابهای خلقهای محروم را سد می‌کنند، چیزی جز «خیر» مردم نمی‌خواهند و هدفشان فقط جلوگیری از استقرار «استبداد» است!

آقای بنی‌صدر در پی جلب توجه مردم به استبداد دوران پس از انقلاب مشروطه، واستبداد پس از کودتای ۲۸ مرداد میگوید:

«یاد شما زنان و مردان می‌آورم که از انقلاب مشروطه تا امروز، دستیاران سیاست روس سرنوشته انقلابی‌های ما را به ناپودی و شکست روبرو کرده‌اند. انقلاب مشروطه را آنها به نابودی کشیدند، انقلاب جنگل را آنها به نابودی کشاندند، انقلاب نفت را آنها به شکست انجام دادند و امروز در کار اقاء ایدئولوژی هستند، تا این انقلاب را هم به استبداد تحویل بدهند». به عقیده آقای رئیس‌جمهور، نام امپریالیسم انگلیس در نابودی دستاوردهای انقلاب مشروطه و سایر جنبشهای مردمی مبین ما نقش داشته و نه امپریالیسم آمریکا در شکست جنبش ملی کردن نفت و کودتای ۲۸ مرداد، که پیامد آن استقرار استبداد سلطنت محمدرضا بود. انظر آقای بنی‌صدر ایسن «دستیاران روس» بوده‌اند که از آغاز تا پایان انقلاب را به شکست کشانده‌اند! حیرت‌انگیز و تأسف‌آور نیست که آقای رئیس‌جمهور این چنین امپریالیسم، دشمن اصلی خلق را از زیر ضربه خارج میکند و افکار عمومی را بجای توجه به این واقعی‌ترین و خطرناکترین دشمن استقلال و آزادی و ترقی ایران، متوجه دولت «روس» میسازد، که ۲۳ سال است که دیگر در جهان وجود ندارد و به برکت پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، برجای آن نشست است، و «دستیاران روس» اگر در زمان انقلاب مشروطه دربار خائن قاجار و اطرافیان و جیره‌خواران آن بوده‌اند، امروز دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، دستیار جز مردم مستضعف جهان ندارد، که خود را موهون کمکها، پشتیبانی‌ها و همبستگی بی‌شائبه این انقلاب پیروز میدانند.

امام خمینی در پیام خود بمناسبت سالگرد انقلاب با تکیه بر خرد انقلابی خود میگوید:

«امروز تمامی آثانی که علیه جمهوری اسلامی ایران متحد شده‌اند، با واسطه و بدون واسطه در رابطه با آمریکا میباشند»

و آقای بنی‌صدر در سخنان خود مدعی میشود که:

«هر گرایشی به استبداد، مستقیماً رابطه با ابر قدرت‌ها دارد».

خطر بزرگ که از زبان امام خمینی، توطئه متحد دشمنان جمهوری اسلامی در ایران و منطقه به رهبری آمریکا است، بقیده آقای بنی‌صدر مهم نیست؛ آنچه مهم است خطر موهومی بنام «استبداد» است، که در رابطه با «ابر قدرت‌ها» است، و باتوجه به مجموعه بیانات آقای بنی‌صدر، «ابر قدرت‌ها» یعنی «ابر قدرت روس»، که انقلابی‌های ایران را به کمک «دستیاران» خود به شکست کشانده است!

آقای بنی‌صدر میگوید: «حساب صندوق از حساب کسانی که از داخل و خارج کشور تحت نام او بر ضد انقلاب، توطئه می‌چینند، جداست».

در واقع هم حساب دکتر مصدق که یک رجل ملی و خدمتگزار مردم خویش بود، از حساب هواداران کنونی او جداست. اما آقای بنی‌صدر از دکانی «صحبت میکند که در داخل و خارج کشور بنام دکتر مصدق علیه انقلاب ما توطئه میکنند. نام این کسان در خارج از کشور بر همگان معلوم است: خائینی چون بختیار، نژی، مقدم مراغه‌ای از این قماشند. اما آقای بنی‌صدر از کسانی که در داخل کشور بنام دکتر مصدق علیه انقلاب دسیسه‌چینی میکنند، نامی نمی‌برد. چرا آقای بنی‌صدر آنان را - این عناصر ضدانقلابی را - با ناموشان افشا نمیکند تا مردم دشمنان انقلاب خود را بشناسند؟

آقای بنی‌صدر این دشمنان خطرناک انقلاب را در سایه میگذارد و میگذرد و حزب توده ایران را، که دکناهی، جز پشتیبانی از خط ضدامپریالیستی و خلقی امام خمینی ندارد، آماج دشمنان و افرای قرار میدهد و خطری برای انقلاب میسازد.

آقای بنی‌صدر! ریگان هم به همین ترتیب، حزب توده ایران را، «خطر بزرگتر» میخواند. این هواوی را چگونه توجیه میکنید؟ امام خمینی میگوید:

«سعی کنید روحیه ملت را تقویت نمائید».

و آقای بنی‌صدر باین عنوان که «بدترین چیز اینست که مردم از واقعیت امور کشور خویش اطلاع نداشته باشند و در گنجی نسبت به آنچه در حول و حوش خویش می‌بینند، دائم نگران بشوند»، تصویری از نابسامانیهای اقتصادی کشور، از بیکاری و گرانی و تورم، از کاهش تولید سنتی و کشاورزی و کمبود ذخائر ارزی ب مردم ارائه میدهد.

اما آقای بنی‌صدر! آگاهی مردم از واقعیت کشور فقط اطلاع از درسد نرخ گرانی و تورم و یا کاهش محصولات داخلی نیست. بیش از آن مردم حق دارند بدانند که چه کسانی بر توطئه لبس سرویش نهاده؟ چرا شبکه کودتاچیان ۱۸ تیر تا فرآخ کشف نشد؟ اسناد سفارت ایران در آمریکا کجا رفت؟ و اکنون چه خطرانی از ناحیه امپریالیسم آمریکا و ایادی‌اش انقلاب ایران را تهدید میکند؟ وظیفه رئیس‌جمهور است که این مسائل را پی‌گیری کند، معماهای کشف نشده را دنبال کند و به مردم گزارش دهد، تا مردم از «گنجی نسبت به آنچه در حول و حوش خویش می‌بینند»، رهایی یابند.

در پایان لازم میدانیم توجه رئیس‌جمهور را به گفته‌ای از خود ایشان جلب کنیم که: «آزادی اینست که گروهی تنها به قاضی روند و راضی برنگردند».

و شما آقای رئیس‌جمهور، با استفاده از رسانه‌های گروهی، که در اختیاران است و اقترازی نسبت به حزب توده ایران به کمک این رسانه‌ها، متأسفانه تنها به قاضی رفته‌اید و راضی برگشته‌اید و این آزادی نیست! ما حتی قبل از آنکه شما به ریاست جمهوری انتخاب شوید، بشما پیشنهاد «بحث آزاده» دادیم، تا شما را از اشتباه در ارزیابی عملکرد حزب خود بیرون آوریم، اگر بواقع «اشتباه» باشد. اما شما پیشنهاد ما را نادیده گرفتید. امروز بار دیگر پیشنهاد خود را تکرار می‌کنیم، زیرا خود را توانا به دفاع‌جانانه از مواضع خود میدانیم و از «بحث آزاده» با هیچکس و هیچ‌مقامی باک نداریم.

در پایان یادآور میشویم که تکرار اتهامات و اکاذیب سازمانها و رسانه‌های خبری امپریالیستی و کارگزاران داخلی امپریالیسم درباره حزب توده ایران، که هم «علم» دارد و هم «اخلاق» و هم متکی به ایدئولوژی علمی انقلابی است، هیچ‌نشانه‌ای از «معنویت» و «اخلاق اسلامی» با خود ندارد.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

۱۰۰۰ ریال	آ. آ
۱۰۰۰۰ ریال	ق. ح
۱۰۰۰۰۰ ریال	ر. م. م
۱۰۰۰۰۰۰ ریال	حجتی

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کی‌منش وبه شماره ۳۳۲۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی پیردازند.

امیدواریم انقلاب هرچه زودتر به فکرما بیفتد و مشکلاتمان را حل کند.

ما از مسئولین دولت در کردستان مصرانه می‌طلبیم که هرچه زودتر، بارسیدگی به کمبودها و درخواست‌های بحق ساکنان محله عباس‌آباد و حل مشکلات محله، آنها را بیش از پیش به انقلاب امیدوار سازند.

به مشکلات عباس‌آباد سندج رسیدگی کنید!

محله فقیرنشین عباس‌آباد، که در کنار شهر سندج، بر روی تپه‌ای خاکی واقع شده، از هر نوع امکانات رفاهی محروم است. این محله که بر سر راه سندج-مهدان قرار دارد، گرچه نسبت به دیگر مناطق فقیرنشین، از قبیل گردی‌گور، نظام‌آباد (کورآباد) و سپورآباد وضع بهتری دارد، اما هنوز از حداقل امکانات برای زندگی برخوردار نیست. اکثریت اهالی عباس‌آباد روستائینی هستند که به دنبال اصلاحات ارضی شاه ملعون، به امید زندگی بهتر، به این مناطق روی آورده‌اند، اما گرفتار نکت و

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

۱۰۰۰ ریال	آ. آ
۱۰۰۰۰ ریال	ق. ح
۱۰۰۰۰۰ ریال	ر. م. م
۱۰۰۰۰۰۰ ریال	حجتی

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کی‌منش وبه شماره ۳۳۲۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی پیردازند.

بحران عمیقی، که گستره‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک راشاهل میشود، جامعه اسرائیل را دربر گرفته است. اوضاع داخلی اسرائیل به‌وخت می‌گراید، قطب‌گرایی طبقاتی بیش از پیش شدت می‌گیرد. امپریالیسم ایالات متحده و مجالل صهیونیستی آمریکایی هرچه بیشتر به پشتیبانی از رژیم اسرائیل می‌شبانند. در این زمینه، تبلیغات ایدئولوژیک صهیونیسم هرچه بیشتر ادعیت پیدا میکند و جارجیان محافل حاکمه، در القای دروغ دیرینه «خطر نابودی» اسرائیل، بویژه به یهودیان اسرائیل - که ۸۵ درصد سکنه این کشور را تشکیل میدهند - کوشش می‌ورزند.

اینکه اقلیت رسمی، در درجه نخست «حزب کارگر» و «هایپام» هم برای بیرون رفتن از بحران همه‌جانبه کنونی، از ارائه هرگونه ردیافتی عاجزند، شکست‌ناپذیر نیست، چه آنها در مسائل دنیایی، از جمله ادامه سیاست اشغالگری، ایجاد آبادیهای یهودی‌نشین، خودداری از مذاکره درباره مسئله فلسطین و تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی و سرکوب اعراب مقیم اسرائیل، یا دولت «لیکود» هم‌آرا هستند.

از سوی دیگر، رای اعتماد ۲۸ آبان به دولت یگین، در «گشت» که تنها با اکثریت سه‌رای حاصل شد و بحران داخلی کابینه اسرائیل، که چندی پیش دولت را مجبور کرد تا انتخابات آینده را بجلو اندازد، این امکان را پدید آورده است که، با توجه به بحران عمومی کنونی، برخی

دگرگونی‌های ظاهری نیز در صحنه سیاست اسرائیل برونوع بیزند.

بیداد تورم و بی‌کاری

بحران همه‌جانبه‌ای که اینک گریبانگیر اسرائیل شده است، در همه جا مشهود است. تورم در این کشور بیداد میکند. نرخ تورم در سال گذشته میلادی در اسرائیل تا ۱۶۰ درصد تخمین زده میشود. در دوران حکومت «لیکود»، قیمت‌ها در اسرائیل حداقل ۶۰۰ درصد افزایش یافته است. تورم قیمت‌ها بویژه در زمینه خواربار و خدمات چشمگیر بوده است. برای نمونه، «کمپسیون امور اقتصادی» کابینه در ۱۳ آبان امسال تصمیم گرفت که قیمت نان را ۴۰ درصد بالا ببرد. این درصد افزایش برای آرد، قهوه، برنج، پسته، پنیر، روغن و غیره ۱۲ و ۲۵ درصد بود. در ۱۱ دسامبر مالیات‌های محلی ۲۰ درصد بالا رفت.

از سوی دیگر، بموجب آمارهای رسمی، دستزد حقیقی کارگران اسرائیل گذشته، تنها در نیمه نخست سال میلادی گذشته، ۱۴ درصد کاهش یافت، شماره بیکاران در چهاره سوم این سال به ۶۵۰۰۰ رسید و، پس از بحران سالهای ۱۳۴۵-۱۳۴۶، رکورد جدیدی بجای گذاشت.

حزب کمونیست اسرائیل مقابله با بحران اقتصادی کنونی و پیامدهای خانمانسوز آنرا یکی از مهم‌ترین وظایف خود میداند. کمونیست‌ها در صفوف پیشاپیش مبارزه زحمتکشان اسرائیل می‌زنند و در جنبش سندیکایی اسرائیل نقشی بس فعال بعهده

بمناسبت برگزاری کنگره نوزدهم «حزب کمونیست اسرائیل» (۲۵ بهمن ۱۳۵۹)

حزب کمونیست اسرائیل پشتیبان انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است

خویش، از جمله حق ایجاد کشوری مستقل و تعیین حق وجود همه کشورهای منطقه، از جمله کشور اسرائیل، را خواهان است. بمقیده حزب کمونیست اسرائیل، دستیابی به صلحی جامع و عادلانه، تنها بر پایه مذاکرات میان همه نیروهای ذی‌نفع، بویژه سازمان آزادی‌بخش فلسطین، یعنی یگانه نماینده راستین خلق عرب فلسطین، امکان‌پذیر است.

در استانه‌های شمالی اسرائیل، که اکثریت سکنه آنها را اعراب تشکیل میدهند، کوشش مداوم بعمل می‌آید، تا ساختار جمعیت تغییر یابد. از یکسو، اعراب به ترک این استانه مجبور میشوند، از سوی دیگر، یهودیهای دیگر نقاط اسرائیل، در این استانه اسکان می‌یابند. در این زمینه، کافی است که از تصاحب زمین‌های اعراب، کاهش و قطع بودجه شهرداریهای شهرک‌های عرب - نشین، تعدیل امکانات آموزشی و رفاهی آنها، و کشتن به اعراب نه برد.

دارند. این حزب، از جمله در فراکسیون «جبهه دمکراتیک برای صلح و برابری» در «گشت» (این فراکسیون از پنج نماینده تشکیل میشود، که سه تن آنها از حزب کمونیست اسرائیل هستند و دو تن دیگر نامزدهای «جنبش برسیه» و «جنبش دمکراتیک مستقل» بوده‌اند). آوازی زحمتکشان را بکوش مردم می‌رساند و سیاست شدکارگری دولت حاکم مبارزه میکند.

برنامه صلح حزب کمونیست اسرائیل

حزب کمونیست اسرائیل از برنامه‌های روشن و واقع‌بینانه برای استقرار صلح برخوردار است. این برنامه فراخوانی نیروهای اسرائیلی را از همه مناطق عربی، که در سال ۱۳۴۶ به تصرف اسرائیل درآمد، خواستار است. برنامه صلح حزب کمونیست اسرائیل، فزون‌تر از این، پیشبرد حق تعیین سرنوشت سکنه عرب فلسطین را بدست

با اینگونه پدیده‌ها قاطعانه می‌زنند.

کنگره نوزدهم حزب کمونیست اسرائیل، که در تاریخ ۲۵ بهمن ۵۹ برگزار خواهد شد، با ارزیابی همه‌جانبه از بحران فراگیر جامعه اسرائیل و روشکستی سیاست ارتجاعی و تجاوزکارانه دولت «لیکود»، «حزب» را برای شرکت در انتخابات آینده و دیکس عرصه‌های مبارزات سرنوشت - سازی، که در انتظار زحمتکشان اسرائیل است، بسیج و تجویز خواهد کرد.

پیام شادباش حزب توده ایران به حزب کمونیست اسرائیل

کمیته مرکزی حزب توده ایران، در پیام به کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل، بمناسبت تشکیل کنگره نوزدهم حزب برادر در اسرائیل، از جمله، «سیاست‌گذاری خود را از همبستگی حزب کمونیست اسرائیل بسا انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران و پشتیبانی آن از مبارزات مردم ما علیه دسیسه‌های پی‌درپی امپریالیسم ایالات متحده و عوامل آن در منطقه» ابراز داشت. در این پیام آمده است:

«ما نیز، بنوع خود، همبستگی عمیق خود را با یگانگ کمونیست‌های اسرائیلی در راه صلح پایدار در خاورمیانه و جهان، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی اعلام میکنیم و پیروزیهای کنگره نوزدهم حزب شما را در راستای پیشبرد این هدفهای والا خواستاریم.»

دفاع پیگیر حزب کمونیست اسرائیل از زحمتکشان عرب

حزب کمونیست اسرائیل، حزب مشترک طبقه کارگر یهودیان و اعراب اسرائیل، دفاع پیگیر از منافع زحمتکشان اعراب اسرائیل را پیوسته در صدر برنامه‌های خود قرار داده و از اینرو در مناطق عرب‌نشین، از جمله‌های ویژه برخوردار است. این حزب در شورای شهر نازارت اکثریت رادرا اختیار دارد و شهردار نازارت عضو آنست. این واقعیت که «کنگره اعراب اسرائیل»، که قرار بود به ابتکار «جنبش دمکراتیک برای صلح و برابری» و با شرکت نمایندگان یهودیان مترقی، در تاریخ ۱۵ آذر امسال در نازارت برگزار گردد، از سوی یگین ممنوع اعلام شد، حاکی از پایه توده‌ای گسترده و عمیقی است، که حزب کمونیست اسرائیل، در مناطق عرب‌نشین، از آن برخوردار است.

بحران ایدئولوژیک که جامعه اسرائیل را فرا گرفته است، بویژه در گرایش فزاینده فاشیسم‌گرایی، نژادپرستی، برتری‌جویی و نظامی‌گرایی تجلی می‌یابد. شعارهایی چون «اعراب را به اتاق گاز بفرستید!» اینروزها بر بسیاری از دیوارهای تل‌آویو جلب نظر میکند.

طبیعی است که حزب کمونیست اسرائیل، در کار تبلیغاتی خود

حمایت سوریه و رومانی از تشنج زدائی و خلع سلاح

در پایان دیدار حافظ اسد رئیس‌جمهوری سوریه از رومانی و مذاکره با نیکلای چائوشکو رهبر رومانی، بیانیه مشترکی از سوی این دو کشور منتشر شد. رهبران این دو کشور در این بیانیه، ضمن ابراز نگرانی از افزایش تشنج در جهان، حمایت خود را از تشنج‌زدایی و خلع‌سلاح اعلام کردند.

رهبران سوریه و رومانی به اوضاع خاورمیانه اشاره کردند و یادآور شدند که حل‌وفصل اوضاع خاورمیانه تنها در صورت خروج نیروهای رژیم اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی عرب، از جمله از بیت‌المقدس، امکان‌پذیر است.

سوریه و رومانی تاکید کردند که در هرگونه راه حل، باید حقوق انکارناپذیر خلق فلسطین، از جمله حق این خلق برای ایجاد یک کشور مستقل، برسمیت شناخته شود و سازمان آزادیبخش فلسطین بعنوان تنها نماینده خلق فلسطین باید در هرگونه تصمیم‌گیری و مذاکره درباره فلسطین شرکت داشته باشد.

کمک سازمانهای جاسوسی غرب به عناصر ضد سوسیالیست لهستان

هشتمین پلنوم کمیته مرکزی حزب متحده کارگری لهستان در روز ۲۰ بهمن ۵۹ بریاست استانیسلاو کایا، در ورشو کنایش یافت. در این پلنوم گزارش هیئت‌سیاسی درباره وظایف «حزب» در زمینه تامین سمگیری سوسیالیستی اتحادیه‌های کارگری بررسی خواهد شد.

خبرگزاری لهستان گزارش میدهد که دادستانی لهستان رسیدگی به پرونده فعالیت‌های ضدحکومتی و ضدجمهوری باصطلاح «کمیته دفاع» (کور) و متحدان آنرا آغاز کرده است. بازجویی‌های کنونی نشان داده‌است که این سازمان ایجاد ناآرامی و خرابکاری اقتصادی را جزء اهم فعالیت‌های خود قرار داده است. «خبرگزاری لهستان» می‌افزاید که این «کمیته» از سازمانهای جاسوسی غرب پول و تسهیلات فنی دریافت میدارد.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم



مقاومت اروپای غربی در مقابل نقشه‌های تشنج‌فزاینده ناتو

تورگران فلدین، نخست‌وزیر سوئد، با استقرار جنگ‌افزارهای جدید هسته‌ای، از جمله موشک‌های بالدار و سلاح نوترونی در اروپای غربی به مخالفت برخاست. وی در مصاحبه‌ای با روزنامه نگاران خارجی در استکهلم، گفت که استقرار سلاح‌های نوترونی در قاره اروپا باعث افزایش خطر بروز درگیری هسته‌ای خواهد شد. نقشه آمریکا در این مورد، تا بحال با مخالفت بسیاری از نمایندگان پارلمانها، شخصیت‌های سیاسی و مقامات رسمی آلمان غربی، هلند، ایتالیا و کشورهای دیگر، مواجه شده است. در دانمارک حدود ۶۵ هزار تن از مردم این کشور، زیر اعتراضیه کمیته ملی هواداران صلح در این کشور را علیه سیاست تجاوزکارانه پیمان ناتو، امضا کردند. مردم دانمارک خواهان مبارزه برای جلوگیری از استقرار سلاح موشکی هسته‌ای در اروپای غربی و احداث انبارهای پنتاکون در خاک دانمارک شده‌اند.

بیستمین اجلاس کشورهای غیرمتعهد بکار خود ادامه میدهد:

اعتراض علیه آمریکا و چین

در دهلی‌نو، بمناسبت بیستمین سالگرد جنبش عدم‌تعهد، یک جلسه رسمی تشکیل شد. در این جلسه، روسای هیات‌های نمایندگسی اتیوپی و سازمان آزادیبخش فلسطین، سیاست آمریکا و اسرائیل را در آفریقا و خاور نزدیک مورد حمله قرار دادند و نمایندگان ویتنام و لاوس، مداخله یکن در امور داخلی کشورهای هندوچین را سرزنش کردند.

در این جلسه، گورت‌والدهایم، دبیرکل سازمان ملل متحد، از سهم عظیم این جنبش در تحکیم مبانی صلح و امنیت بین‌المللی و مبارزه علیه استعمار و نژادپرستی، سخن گفت و لئونید برژنف، رهبر اتحاد شوروی نیز، خطاب به شرکت‌کنندگان در این جلسه، پیام شادباشی فرستاد.

در کنفرانس کشورهای غیرمتعهد گفته شد: اتحاد شوروی کمک‌های با ارزشی در اختیار جنبش غیرمتعهدها قرار داده است

اجلاس وزیران خارجه کشورهای غیرمتعهد به کار خود در دهلی‌نو ادامه می‌دهد. در این اجلاس، بسیاری از نمایندگان در سخنرانی‌های خود، در مورد ماهیت ضد امپریالیستی و ضد استعماری جنبش غیرمتعهدها تاکید کردند و خواستار تحکیم صفوف این جنبش بر اساس مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع شدند.

وزیران خارجه جمهوری دمکراتیک خلق کره، قبرس و چند کشور دیگر، خطر فزاینده نیروهای امپریالیسم را برای جنبش غیرمتعهدها یادآور شدند.

بسیاری از نمایندگان نیز از کمک و همبستگی جامعه کشورهای سوسیالیستی، و در راس آن اتحاد شوروی، با این جنبش، ابراز سپاسگزاری کردند. وزیر امور خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام گفت:

«اتحاد شوروی همواره کمک‌های ذیقیمتی در اختیار جنبش قرار داده است.»

از سوی دیگر، پیام لئونید برژنف به اجلاس با حسن‌استقبال روپرو شد. در این میان ناراسیم هارائو، وزیر خارجه هند، که به ریاست کنفرانس انتخاب شده است، گفت:

«مبارزه برای صلح و خلع‌سلاح اهمیت اساسی دارد.»

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 443
14 February 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۱۶/۳۵۵۱، منطقه
پستی تهران